کارگران جهان متحد شوید!

انترناسیونال

۱۹۸

جمعه، ۸ تیر ۱۳۸۶، ۲۹ ژوئن ۲۰۰۷

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran

اساس سوسیالیسم انسان است.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.

منصور حکمت
www.m-hekmat.com

سردبیر: محسن ابراهیمی anternasional@yahoo.com Fax: 001-519 461 3416 جمعه ها منتشر میشود

فلسطین و جنگ فتح و حماس

فاتح بهرامی

اتفاقات دو هفته گذشته اوضاع فلسطین را وارد مرحله جدیدی کرد. پس از چند ماه درگیری و کشمکش میان فتح و حماس، سرانجام حماس مراکز قدرت فتح در باریکه غزه را به کنترل خود درآورد و بطور کامل بر غزه مسلط شد. محمود عباس نیز حکم انحلال کابینه اسماعیل هنیه را صادر کرد و سلام فیاض را مامور ایجاد یك کابینه دیگر کرد. باین ترتیب عمر سه ماهه دولت ائتلافی بپایان رسید، و اکنون عملا در غزه و کرانه غربی حکومتهای حماس و فتح حاکم هستند. این وضعیت اوضاع فلسطین را پیچیده‌تر میکند و زندگی نابسامان مردم فلسطین را بیش از پیش در ابهام قرار میدهد.

مساله فلسطین و نقش جریانات راست افراطی

رکن اساسی حل مساله فلسطین تشکیل کشور مستقل فلسطینی است. این کشور اکنون وجود ندارد و تشکیل آن مستلزم خروج اسرائیل از سرزمینهای اشغالی و برسمیت شناختن کشور فلسطینی است. بعبارت دیگر تشکیل کشور مستقل فلسطینی مستلزم توافق بین اسرائیل و نیروهای فلسطینی است. اما اسرائیل تاکنون هر نوع قول و قراری را در جریان مذاکرات صلح بهم زده

صفحه ۲

دست حکومت از زندگی مردم کوتاه!
سهمیه بندی بنزین فورا باید لغو گردد!
افزایش قیمت بنزین و مایحتاج مردم موقوف!

تصمیم حکومت اسلامی درباره سهمیه بندی بنزین بلافاصله با اعتراضات گسترده مردم در سراسر ایران روبرو شد. حکومت اسلامی را باید وادار به عقب نشینی کرد. قدرت اعتراض و تجمع مردم باید به رژیم نشان دهد که نمیتواند بیش از این به معیشت مردم حمله کند. این حمله

صفحه ٦

این گوشه ای از خشم مردم در مقابل سهمیه بندی بنزین است! این آتش خشم مردم است که زبانه میکشد! دور نیست آن لحظه باشکوهی که عمارت فاسد اسلامی در این آتش سوخته و خاکستر خواهد شد

جنبش اصلاح حکومت اسلامی را از در بیرون راندیم
نمی گذاریم از پنجره وارد شود!
گفتگو با مینا احدی در باره بیانیه ۷۰۰ نفر

محسن ابراهیمی: *مینا احدی، اخیرا به مناسبت سالگرد ۲۲ خرداد، (سالگرد یورش رژیم اسلامی به تجمع زنان در میدان ۷ تیر ۱۳۸۵) بیانیه ای منتشر شده است. این بیانیه در باره مسئله ای مهم و جنبشی مهم یعنی مسئله زنان و جنبش برای آزادی و برابری زن است و از این نظر پرداختن به جوانبی از این بیانیه ضروری است. قبل از هر چیز نظر کلیتان در باره این بیانیه خیلی مختصر چیست؟*

مینا احدی: این بیانیه ارزیابی و سیاست جریانات ملی -اسلامی از جنبش برابری طلبانه زنان است. منظور من ارزیابی بخش مونث جنبش ملی اسلامی از جنبش زنان و در عین

صفحه ۳

مردم!

جمهوری اسلامی مسبب فقر و بیکاری و بیحقوقی و بانی گرانی و تورم است!
جمهوری اسلامی حامی زورگویان و ستمگران و علیه انسانهای شریف و زحمتکش است!
سهمیه بندی بنزین و گرانی سرسام آور ناشی از آن زندگی مردم را تباه میکند! سهمیه بندی بنزین باید فورا لغو گردد.
قیمت بنزین نباید افزایش پیدا کند.
برای مقابله با گرانی و برای وادار کردن حکومت برای لغو سهمیه بندی بنزین:
به سر کار نروید و به خیابانها بیائید،
به تظاهراتها و اجتماعات اعتراضی مردم بپیوندید!

مرگ بر جمهوری اسلامی!
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱

فلسطین و جنگ فتح و حماس

است. در واقع تا به جانب اسرائیل برمیگردد، اولین پیش شرط برای امکانپذیری صلح بین اسرائیل و فلسطین و تشکیل کشور فلسطینی حاشیه ای شدن جریانات قومپرست و راست مذهبی در خود اسرائیل است.

از سوی دیگر، در فلسطین جریان اسلام سیاسی و در راس آن حماس یك مانع بر سر حل مساله فلسطین یعنی تشکیل دولت مستقل فلسطینی از طریق مذاکره و صلح است. حماس نمیخواهد مساله فلسطین حل شود و راه حلی برای آن ندارد، دلیلش هم بسادگی این است که اسرائیل را برسمیت نمیشناسد و لذا جائی هم برای مذاکره و صلح قائل نیست. حماس میخواهد یك جامعه اسلامی درست کند و اسرائیل وجود نداشته باشد.

بنابراین، درباره مساله فلسطین، نقش جریانات راست مذهبی و افراطی در هر دو سو جلوگیری از حل مساله است که دائما حالت جنگ و دشمنی و نفرت افکنی مذهبی را زنده نگاه میدارند و در شرایط توافق و مذاکره بر سر صلح نقش ترمز و بهم زننده آن شرایط را دارند. از طرف دیگر، این جریانات راست بهمدیگر خدمت میکنند و هر یك از وجود و تحرك دیگری امکان می یابند تا در کمپ خود نیرو بگیرند و تقویت بشوند. اینرا در موارد متعدد شاهد بوده‌ایم. راست در اسرائیل، پس از قرارداد صلح اسلو در سال ۹۳، از طریق بهم زدن توافقات و قراردادها و حتی زیر پا نهادن قطعنامه های سازمان ملل مانع پیشرفت پروسه صلح و مذاکره شده و در نتیجه و بطور عملی جریان الفتح را که طرف حساب مذاکرات بوده است بی اعتبار و بی خاصیت کرده است. همین مساله، در کنار فاکتورهای جهانی و منطقه ای، یك عامل مهم برای تقویت حماس است که بر طبل بی خاصیت بودن صلح و مذاکره و ضرورت جنگ با اسرائیل بکوبد. هربار که دولت اسرائیل هر مرحله از پروسه صلح و مذاکره را بهم زد و دست به سرکوب مردم فلسطین زد جریان اسلامی تقویت شده و سرباز گرفته است. در سوی مقابل هم همینطور است. تحرکات حماس و موشك پرانی و عملیات نظامی اش علیه مردم اسرائیل همواره بهانه جنایات و وحشیگری دولت اسرائیل علیه مردم فلسطین و همچنین زدن زیر هر نوع قول و قراری بوده است. همین حرکت اخیر حماس در غزه بزرگترین خدمت به دولت اسرائیل و بویژه جریانات راست آن بوده است.

مساله فلسطین و اختلاف حماس و الفتح

اختلاف پایه ای حماس و فتح بعنوان دو نیرو در فلسطین و در مقابل اسرائیل، اساسا اختلاف دو جنبش و اختلاف دو استراتژی است. فتح بعنوان نیروی اصلی و مهم ساف (سازمان آزادیبخش فلسطین) متعلق به جنبش ناسیونالیسم عرب است که استراتژی آن ایجاد یك کشور فلسطینی در کنار کشور اسرائیل است. ناسیونالیسم عرب که از زمان قرارداد کمپ دیوید برسمیت شناختن اسرائیل را توسط سادات شروع کرد، از قرارداد صلح اسلو ببعد همگی اسرائیل را برسمیت شناختند. ناسیونالیسم عرب بطور کلی، و جریان فلسطینی آن بطور اخص، گرچه نتوانسته تحقیر تاریخی و زخم جنگ شش روزه را جبران کند و فلسطین را به یك کشور بدل کند، اما از مقطعی ببعد دیگر موجودیت اسرائیل را به مساله فلسطین گره نزده است.

اما حماس گرچه یکی از نیروهای فلسطینی است اما این جریان متعلق به کمپ اسلام سیاسی است و اسرائیل را برسمیت نمیشناسد و لذا در مورد فلسطین نه تنها مانند فتح بدنبال طرح دو دولت نیست بلکه خواهان نابودی اسرائیل و برپائی یك حکومت اسلامی است. بنابراین جدا از بازیها و مانورهای دیپلماتیك، حماس و الفتح دو استراتژی متفاوت و در واقع متناقض درباره مساله فلسطین دارند و همین اساس اختلاف آنها را در قبال مساله فلسطین توضیح میدهد. این مساله بسادگی نشان میدهد که هر درجه پیشروی فتح و ساف در جهت صلح با اسرائیل علیه منفعت و اهداف حماس و جنبش اسلام سیاسی عمل میکند، و برعکس شکست و ناتوانی فتح در جهت اهدافش، به حماس و راست مذهبی و قومپرست در اسرائیل نفع میرساند و زمینه میدهد. این یعنی این دو جریان بدون واسطه ای تضاد منافع دارند و لذا جدا از تاکتیکها و مانورهای سیاسی نمیتوانند بطور استراتژیك کنار هم باشند و با هم برای تحقق طرح دولت فلسطینی در کنار دولت اسرائیل تلاش و مبارزه کنند. بویژه در شرایطی که قرار باشد مساله صلح بین اسرائیل با فتح به نتیجه ای برسد آنگاه حماس و فتح باید بنوعی تسویه حساب کنند. درگیریهای اخیر در غزه نیز، گرچه صلحی در کار نیست، اما اساسا در همین چهارچوب قابل توضیح است، یعنی مبنای درگیری اینبار بر سر اختلاف دو جنبش و دو استراتژی است که به مرحله حساسی رسید.

اما اختلاف ناسیونالیسم عرب و اسلام سیاسی فقط به فلسطین محدود نیست. قطعا فلسطین جائی است که بر سر آن نه تنها این دو جنبش بلکه قطب تروریسم دولتی هم با اسلام سیاسی درگیر میشود. علاوه بر فلسطین، اسلام سیاسی خواهان سهم خود در قدرت بورژوائی است. در خاورمیانه این جریان در واقع بخشی از بورژوازی عرب است که پرچم اسلام را برای سهم خواهی خود بلند کرده است. بنابراین ناسیونالسیم عرب و اسلامی سیاسی دو جریان بورژوائی رقیب هستند که جریان اسلامی آن بدلیل جنایات آمریکا و اسرائیل در منطقه و نیز پشتیبانی ایران و سوریه از آن به نیروی قابل توجهی تبدیل میشود.

و بالاخره درباره نتیجه این اختلاف فتح و حماس بر سر مساله فلسطین باید بهمان نکته ای تاکید کرد که بالاتر در متن "نقش جریانات راست افراطی" اشاره کردم. یعنی اولین پیش شرط برای امکانپذیری صلح بین اسرائیل و فلسطین و تشکیل کشور فلسطینی، حاشیه ای شدن جریانات قومپرست و راست مذهبی در هر دو سمت است. این یعنی هر کدام از جریانات طرفدار صلح باید بتواند و آماده باشد جریان مذهبی و راست در کمپ خود را منزوی کند طوریکه نگذارد معضلی بر سر پروسه صلح درست کند. و مساله این است که در حال حاضر در هیچ سمتی با چنین امکان و نیروئی مواجه نیستیم. علاوه بر این، باید تاکید کرد که این منزوی کردن، بمعنی نظامی و توسل به اسلحه نیست، بلکه بلحاظ سیاسی باید امکانپذیر شود. حماس و الفتح همدیگر را بمعنی نظامی نمیتوانند حذف کنند. و بلحاظ سیاسی هم اتفاقا تاکنون بازنده جدی الفتح بوده است، جریانی که فساد مالی و اداری از سر و رویش بالا میرود و اعتماد مردم غزه را از دست داد و در انتخابات ژانویه ۲۰۰۶ به جریان تروریستی حماس میبازد. واضح است که در چنین شرایطی سازمان فتح نمیتواند حماس را بعقب براند.

پشتیبانی غرب و اسرائیل از الفتح

حمایت اسرائیل و آمریکا و سایر کشورهای غربی از اقدام محمود عباس درباره انحلال کابینه حماس ارتباطی به شروع یك حرکت جدی برای حل مساله فلسطین ندارد. اینرا بیشتر باید در چهارچوب جدال دو قطب تروریستی و مسائل ناشی از آن توضیح داد. چند فاکتور اینها هستند: سیاست آمریکا و نئوکنسرواتیسم در عراق شکست خورده و اسلام سیاسی قدرت گرفته است. و این باعث میشود که آمریکا در مقابل ناسیونالیسم عرب مجددا به مساله فلسطین توجه کند. اینرا حتی تونی بلر پس از شکست انتخاباتی جمهوریخواهان در آمریکا اشاره کرد و گفت راه خروج از بن بست عراق و خاورمیانه به مساله فلسطین گره خورده است. اهود المرت نخست وزیر اسرائیل نیز یکماه پیش حداقل در ظاهر و برای جبران شکست در جنگ لبنان و پیروزی حزب الله و بدنبال انتشار گزارش انتقادی وینگراد، حرف از مساله فلسطین زد. او تلاش کرد که با ملك عبداله پادشاه اردن از رهبران ۲۲ کشور عضو اتحادیه عرب بخواهد که گرد هم آیند و درباره "طرح صلح عربی" بدون قید و شرط با اسرائیل گفتگو کنند. و این در شرایطی بود که درگیری بین فتح و حماس موجودیت "دولت وحدت ملی" را زیر سوال برده بود. مجموع شکستهای آمریکا و متحدینش از اسلام سیاسی در خاورمیانه باعث میشود که به ناسیونالیسم عرب بعنوان یك نیروی منطقه ای و عمدتا متحد آمریکا توجه بشود و در همین راستا است که صحبت از مساله فلسطین حداقل در سطح تبلیغ و بحث وارد میشود. در این متن است که میتوان پشتیبانی غرب و اسرائیل را از الفتح توضیح داد که بنوبه خود ضربه ای هم به حماس هست.

این حمایت غرب از فتح و فشار به حماس، احتمالا با تحریم اقتصادی غزه مواجه خواهد بود تا مردم گرسنه را از پا دربیاورند. این سیاست تحریم اقتصادی یك سیاست ضد انسانی و جنایتکارانه است و مقابل آن باید ایستاد و دنیا را علیه چنین سیاستی بسیج کرد. حماس قطعا بطور کوتاه مدت از چنین سیاستی ممکن است نفع ببرد و طبق معمول از بدبختی و درد و رنج مردم فلسطین تغذیه خواهد کرد. رانده شدن حماس به موقعیت اپوزیسیونی در مجموع با کل سیاست و اهدافش هماهنگ‌تر است. قطعا یك کاسه شدن قدرت در غزه پایدار نمیماند و فتح ساکت نخواهد نشست و همین احتمال وارد شدن ایندو را به یك جنگ داخلی طولانی محتمل میکند.

قطعا مهمترین گام برای حل مساله فلسطین تماما درگرو فشار به اسرائیل است که از سرزمینهای اشغالی بیرون برود و کشور مستقل و متساوی الحقوق فلسطینی را برسمیت بشناسد. مشکل آوارگان و بازگشت آنان باید حل شود و موانع بر سر راه آنان کنار برود. در حال حاضر دو نیروی آماده در دو طرف که بخواهند پروسه صلح را به سرانجام برسانند و جریانات راست را منزوی کنند وجود ندارند. از اینرو مساله تماما به حرکت وسیع جنبش آزادیخواهی در سطح جهان و به حرکت جبهه سوم بستگی دارد که آمریکا و اسرائیل را برای پذیرش حل مساله فلسطین تحت فشار بگذارد و در عین حال به شکلگیری جریان چپ و آزادیخواه در اسرائیل و فلسطین که باید جلو این حرکت بیفتد کمك بکند. چپ و سوسیالیسم در هر دو سو باید در سطح اجتماعی عروج کند و نیرو جمع کند تا امکان رهائی کارگران و مردم ستمدیده در فلسطین و اسرائیل بواقعیت بپیوندد.*

یک دنیای بهتر
برنامه حزب
را بخوانید
و در سطح
وسیع
توزیع کنید

از صفحه ۱

گفتگو با مینا احدی

حال تقلای خام دیگری برای سوار شدن بر جنبش برابری طلبانه زنان و منحرف کردن آن به سمت و سویی است که ارائه دهندگان این بیانیه در آن سو حرکت کرده و میکنند.

محسن ابراهیمی: *در همان آغاز بیانیه گفته میشود که ۲۲ خرداد در یکصد سال اخیر جنبش زنان روز مهمی است، چرا که قبل از آن جنبش زنان دچار بهت زدگی و انفعال بوده و با این حرکت جلوتر آمده و پیشرفتهایی جدیی کرده است. نظر شما در این مورد چیست؟*

مینا احدی: همانطور که گفتم این توضیح وقایع و یا تاریخ از منظر جنبش معینی است. قبل از ۲۲ خرداد ۱۳۸۵ اتفاقات مهمی در ایران افتاده بود. شکست دوم خرداد و سردرگمی نیروهای ملی اسلامی و بخشهای مهمی از این جنبش که بدنبال عبای خاتمی افتاده و به او دخیل بسته بودند، بخشی از سیمای سیاست در ایران بود. در این روزها که نویسندگان بیانیه از بهت زدگی و انفعال جنبش زنان حرف میزنند، منظورشان بهت زدگی و انفعال خودشان است. خانمها و آقایان نویسنده این بیانیه، از انفعالی حرف میزنند که دچار آن شده بودند زیرا از دم در خانه این آخوند و آن مرتجع حکومتی گدایی کردن و تقاضای کمی "مرحمت الهی" در مورد زنان به بن بست رسیده و اینها از اینجا رانده و از آنجا مانده بودند و دیگر نمیدانستند چه باید بکنند. حقیقت اینست که این "رهبران" منفعل و منزوی شده بودند. اینها وقتی در ۲۲ خرداد حضور زنان و یا دانشجویان و یا مردم را دیدند که برخلاف نظر اینها به کلیت حکومت حمله برده و شعارهای رادیکال دردفاع از حقوق زنان را میدهند، کمی از بهت زدگیشان کاسته شد و اوضاع واقعی را دیدند. برخلاف تصور و تحلیل این جریان سالها است که در ایران موج عظیمی از اعتراض و نفرت از حکومت اسلامی و قوانین و سنتهای ضد زن وجود دارد که بهر بهانه ای فوران میکند و چشم ناباوران را نیز خیره میکند و ۲۲ خرداد جزیی از این تاریخ است. این رعد و برقی در آسمان نبود. اگر جنبش ملی اسلامی و رهبران و فعالین این جنبش دچار رکود و سردرگمی بودند، جنبش برابری طلبانه زنان در جامعه در حال جوشش بود و مقطع ۲۲ خرداد فقط لحظه ای از این حرکت بود.

محسن ابراهیمی: *یك موضوع دیگر که در این بیانیه جلب توجه میکند جدا کردن حساب افرادی و محافلی از رژیم از کل رژیم است. مثلا اینکه خواسته های زنان "از سوی برخی از صاحبان قدرت (که این خواست های عادلانه را با منافع خود در تضاد می بینند) تحمل نمیشود. یا از این صحبت میکند که" بسیاری از زنان ایرانی صرفا به دلیل تفاوت سلیقه در نوع پوشش خود نسبت به معیارهای شخصی برخی از مسئولان، امروز مورد هجوم نیروهای انتظامی قرار می گیرند." یا از "برخوردها و خشونت های نابخردانه برخی از مسئولان امنیتی" صحبت میشود. این تاکیدات چرا مطرح است؟ آیا واقعا اینها نمیدانند که منشا این سرکوب یك رژیم مذهبی است یا میدانند و پنهان میکنند؟ چرا؟*

مینا احدی: در این قسمت بیانیه مسائل متعددی هست که باید به آن پرداخت.

تا آنجا که به سرکوب و دستگیری و یا تحمیل وثیقه و غیره برمیگردد، گویی سرکوبگری جمهوری اسلامی از روز دستگیری این جنابان شروع شده است. حکومت اسلامی ۲۸ سال است که با دستگیری و شکنجه و اذیت و آزار فعالین جنبش زنان و زنان معترض سرپا مانده و تا کنون هزاران زن را بدلیل مخالفت با این حکومت اعدام کرده و یا به دلیل بد حجابی به روی آنها اسید پاشیده و به صورتشان تیغ کشیده، گرفته و جریمه و یا زندانی کرده است. این حکومت زنان زیادی را در همان دوران " فعال بودن و بهت نداشتن" نویسندگان و چهره های شاخص این بیانیه در دوران حاکمیت رژیم اسلامی و خاتمی محبوب اینها، گرفته و اعدام و سنگسار کرده است. جالب است که تا کنون اینها در این موارد کمتر حرف زده و ابدا اعتراضی نکرده اند. اکنون که تعدادی از اینها دستگیر شده اند حتی در اطلاعیه های بعد از دستگیریشان دیدم که نوشته اند، جای این زنان "مبارز" در کنار محکومین به اعدام و زنان عادی نیست و متفرعنانه خواهان انتقال اینها به جای دیگری شده اند.

خوب است اینرا اضافه کنم در روزهایی که این جنابان در زندان اوین بودند، همان زنان محکوم به اعدام با من تماس گرفته و در مورد حضور اینها حرف میزدند، از همان جا در مورد تفرعن اینها برای من گفته و کبرا و شهلا و نازنین و دیگران فاصله اینها با خودشان را کاملا درك میکردند.

نکته دیگر ارزیابی اینها از حکومت اسلامی است که همواره یکی از موارد مهم اختلاف ما با اینها بوده و هست. اینها کسانی هستند که حکومت اسلامی ایران را به دو بخش تقسیم کرده و از بخش "اصلاح طلب" آن دفاع میکردند. الان که جنبش اصلاحات مرده و افسانه اصلاح از درون رژیم بر باد رفته، اینها به سنگر انتقاد از "برخی از صاحبان قدرت" خزیده و حتی امروز نیز از کلیت رژیم و از یك حکومت سراپا ارتجاعی و ضد زن حرف نمیزنند. ظاهرا امروز مشکل اینست که تعدادی از افراد حکومتی، حقوق زنان را با منافع شخصی خود در تضاد می بینند و یا تعدادی نابخرد به زنان "بی حجاب" حمله میکنند و ...

در تمام این واقعه حکومت اسلامی، اسلام سیاسی و حکومت مذهبی از زیر تیغ حملات رها شده و همه معضل به تعدادی افراد "تندرو" تقلیل می یابد که معلوم نیست به چه دلیل و برای پاسخگویی به کدام منافع زمینی و امروزی، اینها با زنان معضل دارند و راه حل مقابله با این افراد بی منطق چیست! ظاهراً اینها دوباره به دنبال افراد "دمکرات و عاقل" جمهوری اسلامی روان شده اند. یك معضل همیشگی و یك نقد همیشگی ما به اینها در مورد همین مسئله بوده است. حکومت اسلامی یك حکومت ضد زن و سراپا ارتجاعی است که باید در کلیت خود مورد اعتراض باشد. اما تعدادی از زنان این جنبش ملی اسلامی و وابستگان حکومت، دختران و زنانی که خواهان دخالت و یا پستهای بهتری در این حکومت بوده و از تسلط مردان و یا پسر عموهای "بی درایت" خودشان در حکومت انتقاد دارند، جنبشی را ساخته اند که خواهان کمی پست و مقام بیشتر و یا حتی کمی امکان غرولند در این حکومت هست و اساسا با حکومت مذهبی، با مذهب و اسلام و با بی حقوقی مطلق زنان در این حکومت و در این جنبش سیاسی معضلی ندارد. چهره های شاخص اینها همان کسانی مثل شیرین عبادی و اطرافیان ودوستان اکثریتی و توده ای او هستند که اسلام و قوانین اسلامی را با حقوق زن و دمکراسی و برابری در تناقض نمیبینند.

محسن ابراهیمی: *در باره شکل مبارزه برای آزادی زنان از روشهای "خلاق و نوآورانه"، "قالبهای نوین" صحبت میکند. کمپین جمع آوری یك میلیون امضا را به عنوان نمونه موفق این روش خلاق نام میبرد و اینکه چنین کمپینی "بر تصمیم سازان مملکتی" تاثیر گذاشته (برای نمونه مطرح شدن برابری دیه زنان و مردان در مجلس و طرح افزایش سن مسئولیت کیفری در قالب لایحه تشکیل دادگاه های اطفال را مثال میزند)، و نتیجه میگیرد که در سالروز ۲۲ خرداد امسال باید به جای "تمرکز بر کنشی اعتراضی به صورت برگزاری تجمع در یك میدان و در یك شهر" آگاهانه روششان را تغییر خواهند داد، نشان خواهند داد که "تحمل و صبوری" را یاد گرفته اند و روش "گفتگوی چهره به چهره" را پیش خواهند برد تا "خواسته های خود را در تمام کشور تکثیر" کنند! نظرتان در این باره چیست؟*

مینا احدی: اینجا باز هم دم خروس اینهاست که بیرون زده است. اولا کمپین یك میلیون امضا که به نظر اینها بسیار راهگشا بوده، حرکتی برای اصلاح قوانین همین رژیم است، نه علیه کل قوانین ضد زن اسلامی. اینرا خودشان صریحاً نوشته و گفته اند. دوماً اینها همین اقدام "اصلاح طلبانه" خود را امکانی دیده اند برای طرح مجدد عدم تناقض اسلام با حقوق زنان و در عین حال برای حمله به جنبش برابری طلبانه و رادیکال زنان و خواستهای مدرن و مترقی زنان برابری طلب در ایران که کلیت قوانین ضد زن اسلامی را نمیخواهند. اینها میگویند حال که کمی از بهت بیرون آمده و کمی سر و صدا کرده ایم، بهتر است همان سیاستها و اهداف اولیه "اصلاحات" را روی میز بگذاریم. اینکه به حکومت اسلامی نباید حمله کرد، اینها این حکومت را در کلیت خود ضد زن نمیدانند، به همین دلیل فقط به بخشی از افراد "بی درایت" آن اعتراض دارند.

اینکه باز هم درادامه سیاست قبلی خود در شکلی جدید میخواهند جنبش مرده اصلاح رژیم را زنده کنند و با کنار آمدن با حکومت و به نصیحت حاکمان روی آورده اند از ماهیت این جنبش برمیخیزد. مشکل معرفتی نیست. همین جنابان، (منظور من فراخوان دهندگان بیانیه است، چرا که امضا کنندگان از طیفهای مختلف هستند و بنظرمن برخی از افراد اشتباه کرده و این بیانیه را بدون توجه به ماهیت و اهداف سیاسی که تعقیب میکند، بعنوان دفاع از جنبش زنان امضا کرده اند) بهمراه برادران همیشه در صحنه خود، یکبار از رفراندم دفاع کردند و دیدند که سریعا این شعار در مقابل جنبش سرنگونی رنگ باخت و برباد رفت. مثلا در آن دوران مهرانگیز کار و نوشین احمدی خراسانی از طرفداران سینه چاك رفراندم بودند. دفاع از تغییرات کوچك و مقابله با خواستهای بزرگ و شعار سرنگونی حکومت اسلامی، دفاع از " جامعه مدنی" و تشویق مردم به دفاع از رهبر جامعه مدنی یعنی خاتمی و باند او در دستورشان بود. اینها میدانند چکار میکنند! همیشه این سیاست و خطشان بوده است. اینها تلاش میکنند که شاید بتوان " تعدادی عاقل" را در بین حکومتیان یافت و به بازی فمینیستی قبلی بازگشت و زیر فشار جنبش اعتراضی و رادیکال قرار نگرفت و به لاس زدن اسلامی با حکومت مشغول شد.

تا آنجا که به تاثیرات این حرکت اشاره کرده اند مثل موضوع برابری دیه و غیره، فقط میتوانم بگویم که اینها همگی کنه عقب ماندگی و شرق زدگی و پوسیدگی این جریان را نشان میدهد. خجالت آور است کسانی مهر "رهبر جنبش زنان" را بخود الصاق کرده و از "دستاوردی" مثل برابری در قیمت خون زن و مرد حرف بزنند! اینها نشان دهنده همان نزدیکی "خونی" این چهره ها با اسلامیون حاکم بر ایران است. اینها از حجاب و از آخوند و ملا و منبر خوششان می آید و تنشان با دیدن این مسائل کهیر نمیزند. ولی از شنیدن نقد به اسلام و مذهب و یا از دیدن زنان مترقی و رادیکال و امروزی و مدرن چهره در هم میکشند و ضدیت خود را به هزار زبان با این جنبش مترقی اعلام میکنند.

چند روز پیش یکی از دوستان این زنان را در کنفرانسی در لندن

صفحه ٤

از صفحه ۳

گفتگو با مینا احدی

ملاقات کردم. بین ما بحثی درگرفت در مورد مبارزه علیه سنگسار در ایران. من از این دوست گرامی سوال کردم که چرا یك مورد در توضیح مبارزه علیه سنگسار، چهره های شاخص این حرکت مثلا شادی صدر به جنبش گسترده علیه سنگسار و به فعالیتهای ما و یا من اشاره ای نمیکند؟ سوال کردم آیا شادی صدر میتواند به چشم من نگاه کرده و مصاحبه آخرش را تکرار کند که میگوید میشود زن ومرد محکوم به سنگسار در تاکستان را نجات داد زیرا کمپین نه به سنگسار آنها هست و توانسته دو نفر را اخیرا نجات دهد!

آیا در سه دهه اخیر کسی و یا کسانی و یا جنبشی علیه سنگسار در ایران در دنیا نبوده؟ آیا ژیلا ایزدی و شهلا و شهناز و حاجیه اسماعیلوند و آمنه لاوال و صفیه حسینی و زعفران بی بی و آبوکا و دهها نفر را در ایران و در دنیا از سنگسار یك جنبش جهانی و بین المللی و یك کمیته معین به اسم کمیته بین المللی علیه سنگسار نجات نداده است؟ یك کلمه بر علیه سنگسار حرف زدن و در عین حال به حذف دیگران در روز روشن پرداختن و با گرفتن ژست رهبر مقاومت علیه سنگسار، مجددا از در عقب، تئوری گندیده اصلاحات از درون و یا اسلام مغایرتی با حقوق زن ندارد را وارد کردن، "یك گام به پیش" و صد گام به پس است. ما نمیگذاریم این عقبگرد به جنبش علیه سنگسار و یا قتل عمد دولتی و به جنبش برابری طلبانه زنان تحمیل شود.

***محسن ابراهیمی:** طیفی از اسامی در داخل و خارج از کشور را به عنوان امضا کنندگان این بیانیه میبینیم که قبلا هم این اسامی را در کنار هم دیده ایم. مثلا، مسعود بهنود، شیرین عبادی، اکبر گنجی، حسین باقرزاده، مهدی فتاح پور، خانبابا تهرانی و تعداد دیگری از جمهوریخواهان و "چپهای" اکثریتی و غیره که در جریان جنبش شکست خورده دوم خرداد از سر و کول هم بالا میرفتند تا پرزیدنت خاتمی را به قدرت برسانند. این تجمع دوباره به نام جنبش زنان چه معنایی دارد؟ آیا میخواهند جنبش برای آزادی زن را در پیشگاه یك دوم خرداد دیگر قربانی کنند؟ اگر چنین قصدی دارند آیا این یك توهم نیست؟*

مینا احدی: اینجا باید تاکید کنم که فراخوان دهندگان و بخشی از امضا کنندگان همچنانکه قبلاً گفتم اعضا و فعالین یك جنبش ملی اسلامی هستند. بر خلاف تصور متوهمین، اینها گرایشی در درون جنبش دفاع از حقوق زنان نیستند. اینها رهبران و فعالین جنبش ملی اسلامی هستند و در تقابل آشکار با جنبش برابری طلبانه زنان هستند. اینها فکر میکنند، در سنگر جنبش زنان و پشت سر چهر ه های اسلامی و نیمه اسلامی همچون شیرین عبادی و یا نوشین احمدی خراسانی و دیگران میتوانند کالاهای بنجل و متعفن دوم خردادی خود را این بار از این طریق به مردم و زنان در ایران قالب کنند. این آخرین سنگر دوم خردادیها است که شکست پشت شکست و بی آبرویی مداوم را تحمل کرده اند. اما باید تاکید کنم این بار هم بیشتر از دورانهای قبلی دچار اشتباه در محاسبه شده اند. جنبش برابری طلبانه زنان یکی از معترض ترین ومنتقد ترین جنبش ها به اسلام و حکومت اسلامی است. بدلیل ضدیت لجام گسیخته حکومت و قوانین و مقرارات اسلامی با حرمت و حقوق زنان، اینها ابدا نمیتوانند در مقابل موج رادیکالیسم این جنبش سد ایجاد کنند. اینها اگر نخواهند با سیر رو به اضمحلال رژیم اسلامی عمرشان تمام شود، ناچار هستند از جناحهای رژیم اسلامی فاصله بگیرند و به مردم نزدیك شوند. کسانی از اینها که میخواهند در مقابل جنبش برابری طلبانه زنان در ایران همچنان در کنار جناحهای "نرمتر" رژیم اسلامی عکس بگیرند و دست به دامان این و آن آخوند بشوند که تفسیر "بهتری" از اسلام ارائه بدهد باید بساطشان را هر چه زودتر جمع کنند.

***محسن ابراهیمی:** در ایران جنبش آزادی و برابری زنان بی تردید یك جنبش قدرتمند است. گرایشی که این بیانیه را منتشر کرده است گرایشی از جامعه است که مسلما میخواهد این جنبش را تحت تاثیر قرار دهد. آیا این گرایش، یعنی بقایای دوم خرداد در جنبش آزادی و برابری زنان هیچ آینده ای دارد؟*

مینا احدی: ابدا. اینها هر جایی که فراخوان به میتینگ و یا تظاهراتی داده اند، اتفاقا تحت فشار جنبش رادیکال و برابری طلب زنان بوده است. اینها ظرفیت و پتانسیل اعتراضی زنان و مردم را دیده و تجربه کرده اند. همیشه باد کاشته و طوفان درو کرده اند. اکنون امر به خودشان مشتبه شده است که با کمپین یك میلیون امضا میتوانند ضد حمله را سازمان داده و با حمله تلویحی به هشت مارس، یك روز دیگری را علم کنند. توهم اینها برای مهار جنبش رادیکال و برابری طلبانه زنان ظاهراً پایانی ندارد.

چهره های شاخص این حرکت کالای بنجل قدیمی یعنی دفاع از بخشی از حکومت و یا افسانه اصلاحات از درون حکومت را که از در بیرون رانده شده میخواهند از پنجره وارد بازار کنند. این گرایشی است در مقابل جنبش رادیکال و برابری طلبانه زنان و هیچ آینده ای ندارد. این گرایش را البته ما می شناسیم. جنبش رادیکال زنان در ایران، از همان روز اول حکومت اسلامی با اینها دست و پنجه نرم کرده و اینها را در سنگر تئوری و عمل عقب رانده است. ما مباحثات داغی با اینها داشته ایم. در مورد حجاب و جایگاه آن در ایران و در منطقه، در مورد آپارتاید جنسی، در مورد جایگاه سنگسار در عقب راندن جنبش زنان و تحمیل اسلام سیاسی و حکومت اسلامی، در مورد تابو شکنی و "پررو" کردن زنان، در مورد آزادی رابطه جنسی، در مورد حکومت اسلامی و اسلام و مذهب و بالاخره در مورد جایزه نوبل و نقش شیرین عبادی و حرفهایی که این خانم بعد از گرفتن جایزه نوبل در رسانه های جهانی زد و دفاع جانانه ای که از اسلام و حکومت اسلامی در دنیا کرد و ... در همه این موارد ما و این جنبش ملی اسلامی در مقابل هم ایستاده و همواره اهداف مختلف و متضادی را پی گرفته ایم.

امروز این جنبش زیر فشار رادیکالیسم جنبش زنان و بعد از بیست و چند سال لکنت زبان علیه سنگسار حرف میزند و برای اصلاح قوانین اسلامی طومار جمع میکند که ما اینرا به فال نیك گرفتیم که از حقوق زنان حرف میزنند. اما همین "خواهران" یکباره چادر به کمر بسته و در دفاع از حکومت اسلامی و مذهب اسلام به میدان آمده و پشت سر خاتمی بسیج شدند. بعد از شکست رهبرشان و جنبش دوم خردادشان این بار با توهم اینکه سرکوب حاکمان میدان را به رادیکالیسم تنگ کرده است اینها از فرصت استفاده کرده و دارند آشکارا بسوی جنبش رادیکال زنان حمله میکنند. باید به همه اینها بگویم دچار توهم نشوید. جنبش برابری طلبانه زنان همان جنبشی است که جنبش ملی اسلامی و رژیم اسلامی را از سنگرهای بسیاری به عقب رانده و با قدرت راهش را ادامه میدهد. من به این خانمها و آقایان توصیه میکنم به نفعشان است که در مقابل این موج عظیم برابری طلبی و ضدیت با مذهب و قوانین ضد زن اسلامی نایستند. زیرا هر کس در این مسیر بخواهد سدی ایجاد کند همراه رژیم اسلامی جارو میشود. سرنوشت خاتمی، گنجی، حجاریان، شیرین عبادی و... باید پند و اندرز خوبی برای این طیف باشد. اینها باید متوجه این حقیقت بشوند که نمیتوانند همیشه در سایه سرکوب و به فرض محدودیت برای جریانات رادیکال میدانداری کنند.

***محسن ابراهیمی:** تصویرتان از گرایش چپ و رادیکال در جنبش آزادی و برابری زنان چیست؟ این گرایش چه موقعیتی دارد؟ فعالین این گرایش چه کارهایی باید انجام دهند تا جنبش آزادی و برابری زن هرچه قدرتمندتر مبارزه اش را پیش ببرد؟*

مینا احدی: جنبش برابری طلبانه زنان در ایران یك جنبش بسیار قوی و اجتماعی است. زنی که از روز اول حکومت اسلامی دید که همه حقوق و همه حرمت انسانی او را به گروگان گرفته و با سبعیت و وحشیگری کامل او را عقب میرانند، از همان روز اول علیه این حکومت ایستاد. زنانی که با دیدن حمله خواهر زینب ها و حزب الله به خودشان و با وصل کردن حجاب با پونز به سرشان مواجه شدند، علیه این حکومت ایستاده و این حکومت را در کلیت خود ارتجاعی قلمداد کرده و در همه جا به مبارزه با آن پرداختند. در ایران، در کوچه و مدرسه، در کارخانه و دانشگاه، در دادگاههای حکومتی، در عرصه هنر و فرهنگ و در همه ابعاد مبارزه ای سرسختانه و عظیم علیه حجاب، علیه آپارتاید جنسی و علیه قوانین و مقرارات اسلامی و حکومت اسلامی در جریان است. این جنبش در عین حال از روز اول در عرصه نظری نیز جنگیده جواب بسیاری از مسائل را داده است. مثلا در مورد حجاب، ما بارها با این جنبش درگیر شده و بر علیه رهبران فکری جنبش دوم خرداد که حجاب را زیاد مهم تلقی نکرده و حجاب اسلامی و اجباری را مفری برای آزادی زنان میدانستند حرف زده ایم. ما در مورد عدم امکان اصلاح رژیم از درون و یا اسلام و جایگاه آن و یا ضرورت جدایی مذهب از دولت حرف زده ایم. همه اینها در ساختن یك جنبش رادیکال ضد مذهبی و آزادیخواهانه موثر بوده است. زن معترض به حکومت، از همان آغاز گفته است که حکومت اسلامی نه و این حکومت با همه قوانین و سنتها و اسلامش باید به زباله دانی تاریخ ریخته شود. این زنان در ابعاد میلیونی هستند و می جنگند و همین واقعیت سوپاپ اطمینان مهمی است در مقابل تقلاهای این چنینی.*

تلفن تماس و شماره حسابهای کمک مالی:

کمک های خود را میتوانید به این حسابها واریز کنید و یا از طریق تماس با واحدها و مسئولین حزب در کشورهای مختلف تماس بگیرید و راهنمائی بخواهید.

شماره حساب ها:

انگلیس:

Account nr. 45477981
Sort code: 60-24-23
Account holder: WPI
Branch: wood green
Bank: Nat West

سوئد:

پست جیرو 3-60 60 639
صاحب حساب IKK

آلمان:

Dariush safa
Konto Nr:894922303
Kredit Institut
Post bank Hannover
BLZ:25010030

اگر از ایران ارسال میکنید:
میتوانید از طریق دوستانتان در خارج به حساب های فوق واریز کنید، و یا با **شماره تلفن** ۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸ تماس بگیرید تا راه های دیگر را به شما معرفی کنیم.
تقاضا میکنیم در همه موارد میزان و مشخصات مبلغ واریز شده و اسمی که باید اعلام شود را به ما اطلاع دهید.

در دلهایشان امیدهای تازه ای جوانه زد
تحصن پناهجویان ایرانی در استکهلم

عبدالله اسدی

فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی در سوئد مدتهاست که درگیر یك مبارزه سخت در دفاع از حق پناهندگی بویژه پناهجویان ایرانی در این کشور است. دولت سوئد به دنبال پایان جنگ سرد و دنیای دو قطبی و فروپاشی شوروی، از قوانین پناهندگی که خود سالها به آن پایبند بود ۱۸۰ درجه فاصله گرفت. فاصله گرفتن دولت سوئد از یك سیاست نسبتا سخاوتمندانه در زمینه پناهنده پذیری، هزاران پناهجو را در این کشور با سرنوشتی نامعلوم و آینده ای تیره و تار مواجه ساخت. نتیجه اتخاذ چنین سیاستی حتی به یك اختلاف نظر در میان احزاب پارلمانی سوئد سالهاست دامن زده است.

حزب محافظه کار سوئد که هم اکنون قدرت دولتی را در دست دارد به همراه حزب مردم بشدت به آنچه که به قوانین پناهنده پذیری مرسوم بود پشت کرده اند و بر اقامت از طریق کار تأکید میکنند. حزب چپ و حزب محیط زیست در درجه اول خواهان اخذ اقامت به همه پناهجویانی هستند که مدتها بطور مخفی زندگی کرده اند و سالهاست در سوئد به سر می برند. احزاب سوسیال دمکرات، دمکرات مسیحی و مرکز هم در این زمینه حرفی برای گفتن ندارند.

در هر حال حق پناهندگی به یك پدیده مهم و "لاینحل" در کشور سوئد تبدیل شده است. بطوریکه بحث برسر مسائل پناهندگی به هیچ وجه تمامی ندارد. همانطور که گفتم فدراسیون در سوئد درگیر یك مبارزه سخت در دفاع از حق پناهندگی در این کشور است و در این راستا گامهای مهمی را برداشته است. یکی از مهمترین این گامها این است که پناهجویان ایرانی در سوئد زیر چتر فدراسیون بعنوان ظرف مبارزه خود برای گرفتن حق پناهندگی متشکل شده اند. تا آنجاییکه به پناهجویان ایرانی برمیگردد این مبارزه بطور متشکل به پیش میرود. گستردگی این مبارزه و پیشتازی فدراسیون در این عرصه توجه های زیادی را به مبارزه در دفاع از حق پناهندگی جلب کرده است.

دفاع از حق پناهندگی در کشورهای اروپایی بویژه سوئد به یك ضرورت مهم حتی برای بخشهای زیادی از مردم بومی این کشورها تبدیل شده است چه رسد به ضرورت و اهمیت این مبارزه در میان پناهندگان و پناهجویان. اینکه فدراسیون در سوئد به ایجاد هماهنگی و برنامه ریزی چنین تحصنی به مدت ۷ شبانه روز دست میزند، در واقع دارد به یك نیاز و یك ضرورت واقعی مردم پاسخ میدهد. در این مبارزه در کشور سوئد، فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی تنها نیست. از اعضای پارلمان سوئد گرفته تا بخشهایی از احزاب تشکیل دهنده دولت تا توده پناهنده و پناهجو تا سازمانهای مختلف سوئدی، هر کدام به درجه ای در این مبارزه شریك و سهیم هستند و در این راستا فعالیت میکنند. اما نقش فدراسیون در این مبارزه برجسته است و به الگوی خوبی در این حرکتها و در جنبش پناهندگی تبدیل شده و ابتکار عمل این مبارزه را بدست گرفته است. اینها واقعیاتی است که تنها من عنوان نمی کنم. همه دارند می بینند و بر آن مهر تائید میگذارند.

تحصن یک هفته ای پناهجویان ایرانی در شهر استکهلم

بدنبال تحصن ماه فوریه در شهر گوتنبرگ، طرح برگزاری چنین تحصنی درشهر استکهلم آماده شده بود. پیش بینی کرده بودیم که چنین تحصنی با آن برنامه ریزی و تدارك گسترده که در نظر گرفته بودیم میتواند تأثیرگذار باشد، میتواند کلیه پناهجویان در سوئد را یکبار دیگر به تحرك در آورد، میتواند تصویر بسیار ابژکتیو از آنچه که برسر مردم تحت حاکمیت رژیم اسلامی در ایران میگذرد به افکار عمومی جامعه سوئد بدهد، میتواند بر وجدان و افکار نمایندگانی که از احزاب مختلف دولتی برای پاسخگویی به سؤالات پناهجویان دعوت شده بودند تأثیر مثبت بگذارد. به علاوه گفته بودیم که مبارزه و تلاش بی وقفه پناهجویان ایرانی در سوئد میتواند مثل یك الگوی مهم از مبارزه در میان دیگر پناهجویان از کشورهای مختلف در جهت سراسری کردن این مبارزه تاثیر گذار و تعیین کننده باشد.

برای برگزاری این تحصن و دادن یك تصویر زنده از زندگی امروز مردم در ایران و معرفی این تصویر به افکار عمومی جامعه سوئد نمی شد به یك اطلاعیه مختصر با خواست لغو دیپورت به ایران اکتفا کنیم و خیالمان را راحت کنیم که در این دوران سخت ضد پناهندگی توجه کسی را به زندگی فلاکتبار پناهجویان در سوئد جلب کرده ایم. از اینرو لازم دیدیم برای دادن یك تصویر واقعیتر از سرکوب و اختناق در ایران و دلایل فرار مردم نشریه ویژه ای را در ۸ صفحه به زبان سوئدی تهیه نماییم و این کار هم به خوبی صورت گرفت. علاوه بر فرستادن آن برای همه احزاب و سازمانهای دولتی و غیر دولتی، این نشریه برای کلیه روزنامه ها و رسانه های عمومی در سوئد فرستاده شد. مضاف بر آن در طول شش شبانه روز تحصن، این نشریه را وسیعا در میان مردم توزیع کردیم. من نیز بعنوان دبیر فدراسیون در سوئد قبل از شروع تحصن نامه ای را برای Tobias Billströmوزیر مهاجرت سوئد نوشته بودم. در این نامه نیز با جزئیات به نقض حقوق بشر در ایران و دلایل فرار مردم از آن کشور انگشت گذاشته بودم.

از دیگر اقدامات مهم این تحصن، دائر کردن نمایشگاه عکسی از جنایات رژیم اسلامی بود. از جنایات جمهوری اسلامی از جمله از صحنه های اعدام، سنگسار، قطع دست، ضرب وشتم زنان بدلیل عدم رعایت حجاب و پوشش اسلامی و دهها صحنه دیگر از جنایات این رژیم عکس تهیه کرده و دراطراف چادر تحصن نصب شده بود. ویژگی این نمایشگاه این بود که بطور گسترده ای توجه ها را به آنچه که بر مردم ایران میگذرد جلب می کرد. بلندگوهای بزرگی هم در اطراف چادر نصب شده بود که در تمام طول روز از طریق آن موزیك پخش میشد و یا در مورد دلایل فرار مردم از ایران و سیاست غیر انسانی پناهنده پذیری دولت سوئد رو به مردم صحبت میشد.

شبها تعداد زیادی در چادر تحصن میماندند و به بحث و تبادل نظر سیاسی می پرداختند. علاوه بر عابرین سوئدی توریستهای بسیاری از ایران و دیگر کشورها بطور چشمگیری به چادر تحصن مراجعه میکردند و در مورد شرایطی که در ایران حاکم است، سؤال و اظهار نظر میکردند. استقبال پناهجویان از چادر تحصن نه تنها چشمگیر بود، بلکه در تمام امور اداره این تحصن نقش بسیار برجسته ای داشت. علاوه بر پناهجویان در شهر استکهلم، تعدادی نیز از شهرهای یوله، نورشوپینگ، کارسکوگاه، وستروس و گوتنبرگ به این تحصن پیوسته بودند.

در طول شبانه روز بویژه هنگام برگزاری جلسات با نمایندگان احزاب، دسته دسته مردم و پناهجویان وارد چادر تحصن میشدند و از این ابتکار جالب اظهار خوشحالی میکردند و به دست اندرکاران برپایی این تحصن دست مریزاد میگفتند.

تحصن از هر نظر چنان پرقدرت و مورد توجه بود که پناهجویانی که مدتها بود بدلیل بسته شدن پرونده هایشان و قطع هزینه زندگیشان ناامید شده بودند بار دیگر قدرت و ابتکار خود را باز یافته و شور و شوق زیادی در چهره تك تك آنها دیده میشد و در دل آنان امیدهای تازه ای جوانه زده بود.

فوکوس اصلی تحصن بطور کلی روی جمهوری اسلامی و جنایاتی که بطور روزمره در ایران اتفاق می افتد بود. از نمایشگاه عکسی که آنجا برقرار بود، تا بحثهایی که با نمایندگان احزاب دولتی صورت میگرفت. از نشریه ای که به زبان سوئدی به این امر اختصاص یافته بود تا نامه ای که به وزیر مهاجرت نوشته شده بود. از شعارها و باندرولهایی که بر درو دیوار و در اطراف چادر نصب شده بود، تا بلندگوهای بزرگی که آنجا نصب گردیده بود و از طریق آن رو به جامعه صحبت میشد و تا نامه اعتراضی که برای دولت سوئد تهیه و تنظیم و حول آن هزاران امضاء جمع آوری شده بود؛ همه و همه مجموعه ای از افشاگری از رژیمی بود که ۲۸ سال است در ایران و فقط از طریق سرکوب خونین مردم و اختناق سیاسی سرکار مانده است.

پناهجویان ایرانی در سوئد به خوبی بر این امر واقفند که امروز و در شرایط سختی که برای آنها به وجود آمده است بدون افشای جمهوری اسلامی و بدون توضیح دلایل واقعی فرارشان از ایران امکان گرفتن حق پناهندگی وجود ندارند.

در طول شش روز تحصن، ٦ نماینده از احزاب پارلمانی سوئد به چادر تحصن آمده و به سؤالات پناهجویان و مسئولین فدراسیون درمورد سیاست سخت پناهنده پذیریشان و دیالوگشان با رژیم اسلامی پاسخ دادند. در میان این نمایندگان، هم نماینده حزب مردم و هم نماینده حزب چپ اعلام کردند که تنها راه نجات مردم ایران سرنگونی جمهوری اسلامی است.

بحث با نمایندگان احزاب پارلمانی در مورد ایران وضعیت پناهجویان ایرانی و سیاست دیالوگ دولت سوئد با رژیم اسلامی بسیار جدی و تعیین کننده بود. به دنبال دعوت از منوچهر متکی وزیر خارجه ایران که بطور مشخص از سوی حزب محافظه کار سوئد (مدرات) صورت گرفته بود، نمایندگان این حزب بسیار تحت فشار بوده و سرافکنده به نظر میرسیدند. ایوا بیورلینگ (Eva Björling)یکی از مقامات بلند پایه دولت از حزب "مدرات" برای آمدن به تحصن از کیمیا پازوکی تضمین خواسته بود. او اظهار داشته بود که "اگر قرار است برخوردی که به منوچهر متکی شد به من نیز بشود به این تحصن نخواهم آمد." خانم بیورلینگ با چند پلیس و منشی خود وارد چادر تحصن شد. در گفته های ایشان به نظر میرسید که تغییرات قابل توجهی در سیاست آنها نسبت به جمهوری اسلامی به وجود خواهد آمد. بی شك هر نوع تغییری در سیاست آنها برزندگی پناهجویان ایرانی تاثیرات مثبت خواهد گذاشت.

در مجموع تحصن پناهجویان

صفحه ۷

اعتراضات وسیع در تهران و سایر نقاط ایران علیه جمهوری اسلامی
در عکس العمل به سهمیه بندی بنزین
مردم پمپ بنزین‌ها را به آتش کشیدند

امشب بدنبال اعلام اجرای طرح سهمیه بندی بنزین، موج وسیعی از اعتراض سراسر ایران را دربر گرفت. بنا به اطلاعیه وزارت نفت از ساعت ۱۲ شب سه شنبه ۵ تیر ماه طرح سهمیه بندی بنزین در سراسر ایران به اجرا درمی آید. رژیم اسلامی از ترس اعتراض و ازدحام مردم خبر اجرای طرح و نیز میزان سهمیه را ۳ ساعت قبل از اجرا به اطلاع مردم رساند.

بنا به اخبار دریافتی، مردم بدنبال اطلاع از اجرای طرح سهمیه بندی بنزین به بانکها و ساختمانهای دولتی و پمپ بنزینها در تهران و شهرهای دیگر حمله کردند و با نیروهای سرکوبگر حکومت درگیر شدند. در مناطق وسیعی در تهران از شمال و مرکز تا جنوب و شرق، مردم دست به اعتراض زدند و علیه احمدی نژاد شعار دادند و به ماشینهای پلیس، ساختمانهای دولتی و بانکها و پمپ بنزینها حمله کردند، و دهها پمپ بنزین به آتش کشیده شد و به بانکها و ساختمانهای دولتی و ماشینهای پلیس خساراتی وارد شد. هزاران نفر در مناطق مختلف دست به تظاهرات زده اند و تظاهرات بزرگی از تهرانپارس بطرف غرب در جریان است. این اعتراضات و تظاهراتها در سایر شهرهای ایران نیز در جریان بوده و طبق اطلاع تاکنونی در شهرهای کرمانشاه، سنندج، گرگان، کرج، بندرعباس، مشهد، تبریز و اردبیل مردم به خیابانها ریخته اند و به پمپ بنزینها و مراکز دولتی حمله کرده اند. هم در تهران و هم در شهرستانها مردم با نیروهای بسیج و انتظامی درگیر شده اند و در مواردی این درگیریها قبل از روشن شدن هوا هنوز ادامه دارد. هنوز از میزان دستگیری و زخمی شدن مردم اطلاع دقیقی دریافت نشده است.

سهمیه بندی بنزین، روزانه ۳ لیتر، زندگی و معیشت بخشی وسیعی از مردم را بطور جدی تحت فشار قرار میدهد. مردمی که تحت حاکمیت رژیم اسلامی زندگیشان به جهنم بدل شده نمیتوانند فشارهای ناشی از سهمیه بندی بنزین و گرانی و تورم بیشتر را هم تحمل کنند. جمهوری اسلامی یك حکومت ضد انسان، ضد رفاه و ضد شادی است، این حکومت باید بقدرت مردم سرنگون شود و از سر راه زندگی مردم کنار برود. برای مقابله با جمهوری اسلامی و افسار زدن به تعرض این حکومت به زندگی و معیشت و آزادی مردم باید متحد و متشکل شد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۵ تیر ۱۳۸۶ - ۲۶ ژوئن ۲۰۰۷

شهر به تکان در آمد

گزارشی از مصطفی فرهادی گزارشگر حزب از تجمعات اعتراضی مردم در تهران
۶ تیرماه ۱۳۸۶

تهران:

دیروز پنجم تیرماه در اولین روز به اجرا گذاشته شدن طرح سهمیه بندی بنزین، در تهران مردم به پمپ بنزین ها هجوم بردند و شهر به تکان درآمد. جمعیت عظیمی در همه جا در خیابان بود. پمپ بنزین به محل اعتراض مردم در نقاط مختلف تهران تبدیل شد. بانکها و پمپ بنزین ها بعنوان اعتراض به حکومت به آتش کشیده شد و شعارهای ضدحکومتی سر داده شد.

در منطقه پیروزی، ضلع جنوبی میدان امام حسین در شرق تهران سه پمپ بنزین به آتش کشیده شد.

در نواب آزادی یك پمپ بنزین آتش زده شد.

در آریاشهر یك پمپ بنزین و در رسالت که در شمال شرق تهران است ۳ پمپ بنزین و در آذری یك جایگاه و در منطقه سردار جنگل درایران پارس در منطقه شمال شرق تهران یك جایگاه به آتش کشیده شد. من شاهد آتش زدن یك بانك در این منطقه نیز بودم. جمعیتی حدود ۴۰ هزار نفر به خیابان آمده بودند و ازهر فرصتی برای شعار استفاده میکردند. نیروی انتظامی ۶۰ دستگاه ماشین ویژه را برای متفرق کردن مردم به محل آورده بود که با تیراندازی هوایی مردم را متفرق کردند. مردم به مقامات دولتی فحش میدادند. شعار میدادند احمدی نژاد سلاخ امام زمان. شعارهائی نیز علیه خامنه ای داده شد. مرگ بر گرانی و احتکار و مردم به ما بپیوندید، تا کی خواری، مرگ برگرانی از دیگر شعارهای مردم بود.

بخش قابل توجهی از مردم با مسافرکشی روزگار میگذرانند. مسافر کشی شغل دوم بسیاری از اقشار جامعه است. این مساله تمام مردم را به خشم و اعتراض در آورده بوده بود. الان صف بنزین کیلومترهاست و شهر در التهاب است.

تهران ساعت ۲ عصر چهارشنبه ۶ تیرماه

از صفحه ۱

دست حکومت از زندگی ...

طبقه سرمایه دار و حکومت اسلامی آنها به زندگی بخور و نمیر کارگران و مردم زحمتکش در سراسر ایران است. این حمله را باید در هم شکست.

رژیم اسلامی بنزین را در کشوری جیره بندی میکند که بر دریای نفت خوابیده است! این حکومتی است که ثروتهای نجومی گله آخوند و سرمایه دار را از جیب ما کارگران و با تحمیل زندگی زیر خط فقر به اکثریت عظیم جامعه تامین کرده است. این رژیمی است که برای جنگ، تبلیغ خرافات، نگهداری گله های حزب الله و پاسدار، و برای سرپاماندن دهها نهاد جنایت و سرکوب کرور کرور پولی را که از جیب ما مردم کارکن جامعه دزدیده اند خرج میکند. این بساط را باید در هم پیچید.

مردم آزادیخواه!

حکومت اسلامی باید فورا طرح سهمیه بندی را پس بگیرد و بهای بنزین نباید افزایش پیدا کند. تنها اعتراض گسترده و قدرتمند ما میتواند رژیم را به عقب براند. این اعتراضات باید به شکل گسترده و یکپارچه تا عقب نشینی کامل رژیم ادامه یابد. بر سر کار نروید و به اجتماعات و تظاهراتهای اعتراضی بپیوندید. متحد و متشکل شوید. و با خواست لغو طرح سهیه بندی و با شعار افزایش قیمتها موقوف اعتراض علیه جمهوری اسلامی را گسترش دهید. نه تنها طرح جیره بندی بنزین بلکه کل این بساط چپاول و غارت میتواند و باید بقدرت اعتراض و مبارزه ما مردم برچیده شود. جمهوری اسلامی باید برود. برای پایان بخشیدن به گرانی و فقر و بیکاری و تبعیض و نابرابری که سراسر جامعه را در بر گرفته است این حکومت باید سرنگون شود. متحد و متشکل بخیابانها بیائید و ناقوس مرگ حکومت اسلامی سرمایه را بصدا درآورید!

مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
حزب کمونیست کارگری ایران
۷ تیر ۱۳۸۶ - ۲۸ ژوئن ۲۰۰۷

درگیری مردم با پلیس در تهران گسترش می یابد
شب دوم اعتراضات مردم به سهمیه بندی بنزین

بنا به اخبار رسیده به مرکز خبری سازمان جوانان کمونیست، در ادامه اعتراضات دیشب به دلیل سهمیه بندی بنزین، امشب هم تهران شاهد اعتراض مردم بود. درگیری ها ی شدید در خیابان سلسبیل هم چنان ادامه دارد مردم با آتش زدن لاستیك خیابان را به طور کامل بسته اند هم چنین یك جوان ۱۶ ساله هدف تیر اندازی قرار گرفت وبه بیمارستان شهریار واقع در خیابان آذربایجان منتقل شد. همچنین زنان و دیگر مردم در پشت بامها با سوت و فریاد تظاهر کنندگان را مورد حمایت قرار میدادند. همچنین مردم معترض پمپ بنزین کمیل را که در حال باز سازی بود تا فردا بازگشایی شود را به آتش کشیدند. درگیری ها همچنان ادامه دارد و گزارشات رسیده حاکی ست که اعتراضات به سایر نقاط تهران در حال گسترش است.

برای کسب اطلاعات ، اخبار لحظه به لحظه و دیدن تصاویر و فیلم های اعتراضات مردم می توانید به مرکز خبری سازمان جوانان کمونیست به آدرس http://sjk-news.blogspot.com/ مراجعه کنید.

سازمان جوانان کمونیست از همه جوانان و مردم می خواهد در این اعتراضات شرکت کنند و جمهوری اسلامی را مجبور به عقب نشینی و پس گرفتن طرح سهمیه بندی بنزین کنند.

سازمان جوانان کمونیست
۷ تیر ۸۶ ، ۲۸ ژوئن ۲۰۰۷

سوسیالیسم
بپا خیز!
برای
رفع تبعیض

دفتر مرکزی حزب
Tel: 0046-739318404
Fax: 0046- 8 6489716
markazi.wpi@gmail.com

مرگ بر جمهوری اسلامی!
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

عصر انفجار اطلاعات!

یاشار سهندی

پارسال بود شاید کمتر یا بیشتر از یکسال پیش "بانوی جنگ" منتی بر سر ما کارگران ایران گذاشتند و گفتند "ما از جنبش سندیکایی کارگران ایران حمایت میکنیم." قبل یا بعدش را نمیدانم که دولت متبوع خانم "رایس" بذل و بخشش کردند و ۷۵ میلیون دلار گذاشتند کنار برای "پیشبرد امر دمکراسی در ایران"! همین باعث شد برخی از کسانی که برای خودشان در امور جنبش کارگری کلی صاحب نظر هستند نگران شوند که "خطر فساد جنبش کارگری ایران" را تهدید میکند.

بعد از یك هفته از آزادی دو تن از رهبران کارگران در سنندج تازه "صدای امریکا" یادش آمد که خبر آزادی آنها را اعلام کند آن هم از قول وکیل ایشان و از قول خبرگزاری ایلنا؛ من نمیدانم این خبرگزاری هم دیر خبر را پخش کرده یا خیر، بهرحال این اهمیت ندارد، مهم اینست که خیر سرمان در "عصر انفجار اطلاعات" داریم زندگی میکنیم. عصری که در آن اگر چند تا خرگوش زبان بسته و بازیگوش، فرودگاه فلان شهر در فلان نقطه کره زمین را با دشت پر از هویج اشتباه گرفتند و قسمت چرخهای هواپیما را با سوراخی در تنه یك درخت، و آنجا بیتوته کردند و باعث شدند کلیه پروازها کنسل شود آنقدر مهم است که TVهای جهان مثلا لابلای درگیری حماس و فتح آنرا هم پخش میکنند تا ما بی خبر شب سر بر بالین نگذاریم و آنها هم وجدانشان راحت که همه را در جریان ریزترین مسایل دنیا گذاشتند. یا اگر دیك چنی در هنگام تفرج و شکار به اشتباه دوستش را هدف قرار دهد آنقدر پر اهمیت است که شبکه های تلویزیونی کارشان این شود با یك دوربین، ۲۴ ساعته مواظب باشند که دوست دیك از این ماجرا جان سالم بدر میبرد یا جان به جان آفرین تسلیم میکند. یا همین شارون که برای "پیشبرد صلح" تا میتوانست از فلسطینان کشت وقتی قلبش جوابش کرد تمام TVهای جهان اگر هم نتوانستند خودشان یك دوربین رو به اتاقی در بیمارستانی که او بستری بود زوم کنند از قول دیگران تماشاگرانشان را لحظه به لحظه در جریان حال ایشان میگذاشتند. البته قبول داریم که ایشان برای خودش کم آدمی نبود. هر چه نبود سازماندهی کردن آواره ساختن یك جمعیت میلیونی و کشتن چند هزار نفر از آنها بوسیله خود شخص ایشان کم کاری نیست، بر منکرش لعنت. راستی ایشان هنوز زنده است؟ از قرار دیگر به عنوان یك خبر بیات شده و مدیا نمی گوید او در چه حالی است.

حالا اگر در این میان دو کارگر به زور یك اعتراض وسیع آزاد شدند، کاش میشد همین را هم پخش نکرد. چرا خاطر برخی مکدر شود؟ دو نفر کارگر چقدر اهمیت دارند و چرا باید اهمیت داشته باشند؟ نه جایی بمب گذاشتند، نه سر کسی را گوش تا گوش بریدند، نه به خودشان بمب بستند، نه مثل خرگوشها مانع پرواز هواپیما شدند و نه فرمان جنگ و ویرانی صادر کردند. اما بازی روزگار است، گاهی آدمها باید به یك چیزهایی اعتراف کنند که باب میلشان نیست. کی اینها کارگر را داخل آدم میدانستند که حالا رهبر هم داشته باشد و رهبر به کمك مبارزه کارگران آزاد شود. براستی خیلی سخت است که به آن اعتراف کنند که کارگر در ایران یك پای معادلات سیاسی شده است. دیپلماتها یك "و" را در جملاتشان مواظبند کجا بگویند و چطور بگویند و بانوی آهنین حتما هم خیلی بالا و پایین کرده که آن جمله را چه طور بگوید. ترجمه عملی اش را در رسانه رسمی دولت متبوعشان میبینیم. آن برخی صاحب نظران نیز زیاد نگرانی به خود راه ندهند؛ چون اولا، پول علف خرس نیست که همین جوری بذل و بخشش کنند، هر چیزی حساب و کتاب دارد بخصوص پول! "حساب حساب است کاکا برادر"، دوما، آن پول برای "پیشبرد امر دمکراسی" است نه برای امر کارگران؛ اگر دولت امریکا میخواست برای کارگران از این پولها خرج کند که دولت امریکا نمیشد.

حالا پول پیشکشمان، تمام مدتی که وقت برد خبر را بخوانند ۳۰ ثانیه هم نشد. تا آنجایی که جا داشت مبارزه این کارگران را تحریف هم کردند. کردستان به آخر "اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار"، اضافه شد و کردستان دو سه بار هم تاکید شد. چه معنی دارد که یك تشکیلات در کردستان برای سراسر ایران شکل بگیرد؟! بالاخره کردی گفتند ترکی و بلوچی، لری و گیلکی و...، نه از تفسیر خبری بود نه حاشیه ای بر آن خواندند. "عصر انفجار اطلاعات" است و کاش میشد بعضی اطلاعات قبل از انفجار خنثی میشدند و به گوش هیچکس نمیرسیدند!*

از صفحه ۵

در دلهایشان امیدهای ...

ایرانی در استکهلم از هر نظر مورد توجه قرار گرفت. هزار نسخه از نشریه سوئدی ویژه این تحصن در میان مردم توزیع گردید. اطلاعیه بسیار زیادی از روی میز برداشته شد و هزاران نفر نامه اعتراضی فدراسیون را به دولت سوئد در دفاع از پناهجویان ایرانی امضاء کردند. در طول شش شبانه روز با عابرین و مراجعه کنندگان در مورد ایران و دلایل پناهندگی ایرانیان صحبت میشد و توجه مردم به فضای سرکوب و اختناق در ایران جلب می گردید.

روزنامه cityاز زبان کیمیا پازوکی گزارشی را از تحصن به چاپ رسانده بود. رادیو پژواك رادیوی سراسری سوئد با من و رحیم یزادنپرست مصاحبه ای را انجام داد. بسیاری از رادیوهای محلی در سوئد بطور مرتب با مسئولین فدراسیون و پناهجویان متحصن مصاحبه میکردند و خبر آن را منعکس میکردند.

تعدادی از رستورانهای ایرانی و مردم شهر استکهلم غذای چند روز تحصن را تهیه کردند. شمیم خواننده خوش صدا اکثر اوقات در چادر تحصن و در کنار پناهجویان متحصن حضور داشت و هر از چند گاهی با ترانه های پرمعنی اش به ایجاد فضایی شاد و اجتماعی در چادر تحصن کمك میکرد.

در روز آخر تحصن در اقدامی مشترك، فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی در سوئد، حزب کمونیست کارگری ایران واحد استکهلم و کمیته بین المللی علیه اعدام در مقابل چادر تحصن با درست کردن قلبی بزرگ بر روی زمین و قرار دادن تصاویر تعدادی از جانباخته گان در ۳۰ خرداد ۶۰ و محکومین به اعدام و چیدن شمع و گل به دور آنها، یاد قربانیان ۳۰ خرداد ۶۰ را گرامی داشته و یکبار دیگر به مردم سوئد اعلام کردند آنهاییکه در سوئد و هر جای دیگر دنیا اعلام پناهندگی کرده اند بازماندگان قربانیان ۳۰ خرداد ۶۰ و سالهای پس از آن هستند.

تحصن در روز شنبه ۱۶ ژوئن ساعت ۸ بعد از ظهر و در میان ابراز احساسات شرکت کنندگان و شور و شوق مبارزاتی که ایجاد شده بود به کار خود پایان داد.

دست اندرکاران این تحصن یکی دو تا نبودند. از آنهاییکه حضور فیزیکی در تحصن نداشتند و پشت صحنه به ما کمك میکردند تا کسانی که در طول شش شبانه روز دنبال جبران کمبودها و تکمیل کار تحصن بودند؛ از واحد فدراسیون در استکهلم تا واحد فدراسیون در گوتنبرگ تا کسی که اطلاعیه ها را مینوشت و یا آن دیگری که نشریه به زبان سوئدی را تهیه و تنظیم کرد؛ از تشکیلات سوئد حزب کمونیست کارگری ایران تا پناهجویانی که در تمام شبانه روز با دل و جان کار میکردند و مسئولیت اداره امورتحصن را به عهده گرفته بودند همه ترکیبی از کار و نیروی جمعی بود که این تحصن عظیم و با شکوه را ممکن ساخت.

من به سهم خود از همه این عزیزان و همه کسانی که از شهرهای یوله، کارلسکوگاه، نورشوپینگ، وستروس و گوتنبرگ آمده بودند قدردانی میکنم و این حرکت بزرگ را به همه این عزیزان تبریك میگویم.*

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

جلسات گفتگو با حمید تقوائی در چت روم پلتاک

چهارشنبه ها

ساعت ۷ شب اروپای مرکزی،
۹:۳۰ شب به وقت ایران
۷ بوقت اروپای مرکزی
۱ بوقت شرق کانادا و آمریکا

مکان:

اطاق ایران با حمید تقوائی
دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران
محل اطاق در پلتاك:
زیر گروه Asia/Africa/Australia
روی Persianکلیك کنید

***

توجه:

۱- اتاق یکساعت قبل از جلسه رسمی باز است.
۲- با شرکت در این جلسات می‌توانید هر گونه نظر، سؤال و پیشنهاد خود را، مستقل از موضوع مشخص گفتار هفته، با حمید تقوائی، لیدر حزب کمونیست کارگری ایران، در میان بگذارید.

* این جلسات ضبط و متعاقبا روی سایت تلویزیون کانال جدید قرار می‌گیرند. برای دیدن و شنیدن جلسات قبلی به آدرس زیر مراجعه کنید:

http://www.newchannel.tv/links/HamidPal.htm

از میان نامه ها و سئوالات

یک تغییر جالب

شهلا جان سلام

امیدوارم حالتان خوب باشد. چند شماره اخیر انترناسیونال یك تغییر جالب کرده که خواستم خوشحالی خودم را بگویم و به محسن عزیز سلام دارم. انعکاس نامه ها فرصت میدهد که بر سر موضوعات مختلف جدلی بشود و ما نیز جایی پیدا کنیم که سئوالاتمان را پاسخ بگیریم. خصوصا اینکه سئوالات عمومی است و پاسخ به آنها به خیلی از دوستان پاسخ میدهد. در هر حال دستتان درد نکند. اما یك سئوال در مورد قطعنامه کنگره ٦ در باره خطر جنگ و سرنگونی جمهوری اسلامی داشتیم. در این قطعنامه از این حرف میزند که علت پایه ای آنچیزی که به آن بحران اتمی گفته میشود جنگ دو قطب تروریست جهانی، اسلام سیاسی و آمریکاست. بعد در راه حل ها مساله سرنگونی جمهوری اسلامی را پاسخ اصلی ذکر میکند. سئوال من اینست که پس تروریسم آمریکا چه میشود. با سیاستهای ارتجاعی نظم نوین جهانی چگونه باید مقابله کرد؟ از انترناسیونال خواهش میکنم به این سئوال من جواب دهد.

سعید رضوانی از تهران

پاسخی از انترناسیونال

سعید گرامی

خوشحالم که از صفحه نامه ها به مثابه امکانی برای طرح سئوالی مهم که به قول خودت سئوال خیلیها میتواند باشد استفاده کرده ای. حتما تو و دوستانتان و خوانندگان انترناسیونال مسائل دیگری را هم میتوانند با انترناسیونال در میان بگذارند. انترناسیونال تمام تلاشش را خواهد کرد که به این سئوالات در اولین فرصت جواب داده شود.

قطعنامه کنگره ٦ یك کل هماهنگ است که ۱۲ بند دارد و هر بندی در ارتباط با بندهای دیگر معنای واقعی سیاسی خودش را پیدا میکند. کل قطعنامه نقش و جایگاه هر دو قطب را توضیح میدهد و به مقابله با هر دوقطب تاکید میکند. مشخصا بند پایانی یعنی بند ۱۲، اساس سیاست حزب را "بسیج و سازماندهی و به میدان آوردن جبهه سوم، کمپ مردم متمدن جهان بر علیه اسلام سیاسی و سیاستهای میلیتاریستی آمریکا و متحدین او" اعلام میکند. در این مورد و نقشی که جبهه سوم علیه هر دو قطب میتواند و لازم است ایفا کند قبلا در بیانیه جبهه سوم مفصلتر و دقیقتر صحبت شده است.

اما همچنانکه در سئوال تو هم مستتر است قطعنامه فراتر از تاکید علیه هر دوقطب است. قطعنامه مشخصا بر سرنگونی جمهوری اسلامی به قدرت کارگران و مردم انقلابی به مثابه "راه حل مستقل، رادیکال و تعرضی در برابر مردم ایران و مردم جهان برای مقابله با دو قطب جنگ تروریستها" تاکید میکند. چرا این لازم است؟ چون قطعنامه از خطر جنگی مشخص صحبت میکند که یك قطب فعالش، یك پای اصلیش اسلام سیاسی علی العموم و جمهوری اسلامی به طور مشخص است. و فراموش نباید کرد که این قطعنامه، قطعنامه حزب کمونیست کارگری ایران است که موضوع کار مستقیمش تغییرات بنیادی در ایران، سرنگونی جمهوری اسلامی و انقلاب سوسیالیستی و تا آنجا که به این بحث مربوط است جلوگیری از خطر جنگ در ایران است. مسلما اگر کسی، نیرویی بتواند این قطب را بزیر بکشد، این پا را در گل کند یك پای اصلی و فعال خطر جنگ را از میان برداشته است. به این باید این را هم اضافه کرد که شرایط سیاسی در ایران زمینه چنین اتفاقی را فراهم کرده است که در قطعنامه مفصل در موردش صحبت شده است. قطعنامه مبتنی بر این واقعیات مشخص سیاسی است.

در اینصورت ممکن است پرسیده شود که آیا ما از چپ و جنبش سوسیالیستی و کارگران و مردم آمریکا هم میخواهیم برای مقابله با خطر جنگ دولت آمریکا را سرنگون کنند؟ نه خیر. در قطعنامه از جنبش ضد جنگ و جبهه سوم خواسته ایم که "در کنار مقابله با سیاستهای میلیتاریستی آمریکا و متحدینش، حمایت از مبارزات مردم ایران و محکوم کردن جمهوری اسلامی را در دستور خود قرار دهد". اینجا هم "طرد و منزوی کردن جمهوری اسلامی در سطح جهانی و جلب حمایت مردم دنیا از مبارزات مردم ایران در محور سیاست حزب در مقابله با خطر جنگ قرار دارد و یك رکن استراتژی حزب برای تصرف قدرت سیاسی است."

اگر یك حزب کمونیست کارگری قدرتمند در امریکا وجود داشت، اگر جنبش سرنگونی طلبانه در آمریکا در شرایطی مشابه ایران بود، آنوقت حتما این انتظار از حزب کمونیست کارگری آمریکا بود که نه تنها در استراتژی اش بلکه در پراتیك همین امروزش برای مقابله با خطر جنگ، سرنگونی حکومت آمریکا به قدرت کارگران و مردم انقلابی را قرار دهد و از همه مردم جهان بخواهد که علاوه بر مقابله با سیاستهای جنگی و تروریستی اسلام سیاسی و جمهوری اسلامی، به کارگران و مردم آمریکا، به جنبش سرنگونی طلبانه در آمریکا کمك کنند تا هرچه زودتر از شر این قطب خطر جنگ رها شوند. اما ما حزب کمونیست کارگری آمریکا نیستیم. ما حزب کمونیست کارگری ایران هستیم که مثل هر حزب سیاسی جدی دست اندر کار ایجاد تغییرات واقعی هستیم. به این معنا، علاوه بر آرزوها و آرمانهای عمومی مان — که حتما برچیدن بساط سرمایه داری در همه کره ارض است - دستور کار مستقیم داریم. سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی سرمایه، برقراری سوسیالیسم مشخصا در ایران دستور کار بلافاصله ماست. و از این هم مشخصتر و تا آنجاییکه به این بحث برمیگردد، ما میتوانیم یك پای این تقابل جهانی و در نتیجه یك پای خطر جنگ را فلج کنیم. با سرنگونی جمهوری اسلامی، میلیتاریسم آمریکا در سطح جهان پایان نمی یابد. اما با سرنگونی جمهوری اسلامی، خطر جنگی که موضوع بحث است، تا آنجا که به تقابل اسلام سیاسی و میلیتاریسم آمریکا برمیگردد موضوعیت خودش را از دست میدهد. ما حزب کمونیست کارگری، طبقه کارگر در ایران، جنبش سرنگونی طلبانه مردم در ایران در این زمینه میتوانیم نقش واقعی ایفا کنند و باید ایفا کنیم. قطعنامه روی همین واقعیت تاکید میکند.

در صفحات محدود نامه ها و سئوالات در انترناسیونال نمیتوان بحثی مفصلتر از این داشت. این یادداشتها فقط برای طرح جنبه هایی از بحث است. در این مورد بیشتر نظر بدهید و جنبه های دیگری از سئوالاتتان را مطرح کنید. انترناسیونال قطعا از بحث بیشتر در این مورد استقبال میکند.

با آرزوی پیروزی

محسن ابراهیمی

ما پیروز شدیم

خانم دانشفر سلام

روزی که خبر سنگسار کردن دو نفر در تاکستان قزوین را شنیدیم نمیدانید چقدر نگران و متاثر بودیم. فکر میکردیم حتما باید کاری کرد. بلافاصله با دوستان جمع شدیم و تعدادی را خبر کردیم و قرار شد با یك ماشین به قزوین و به محلی که قرار بود حکم اجرا شود برویم. با خود گفتیم دیگر باید این مراسم ها را به اعتراض آشکار و محل تظاهرات تبدیل کرد. همه چیز را فراهم کرده بودیم. وقت خیلی کم بود. دوستانی را هم در قزوین خبر کرده بودیم که به ما بپیوندند. اما خوشبختانه با خبر شدیم که حکم لغو شده است. میخواهم بگویم که این فضای امروز است که وقتی چنین خبرهایی میشود فورا همه به فکر می افتند که کاری بکنند و در مقابل این تحرکات است که اینها مجبور شدند اجرای حکم را لغو کنند. ما پیروز شدیم.

مصطفی فرهادی

سلام خانم شهلا امید وار هستم که شما همراه با فا میل تان خوب و سالم با شید

من یك خبر نگار هستم که فعلا در افغانستان در یکی از رادیو تلویزیون ها مصروف وظیفه هستم و گزار ش های خبری این رسانه تهیه می کنم. من بعضی مطالبی را که در سایت کارگران نوشته شده است را خواندم خوب بود. امید وار هستم که همیشه موفق باشید. دیگر وقت گرانبها ی شمارا نمی گیرم مو فق باشید

حمید

دوست عزیز حمید! با تشکر

و سلام به شما

از آشنایی با شما خوشحالم. باعث خوشحالیست که از مطالب سایت کارگران خوشتان آمده است و برایم نامه دادید. من هم از فرصت استفاده میکنم و دوست دارم به اطلاعتان برسانم که یکی از موضوعات کار ما نه فقط امروز بلکه همیشه مساله پناهندگان افغانستانی و افشای سیاستهای فاشیستی جمهوری اسلامی و ناسیونالیسم ایرانی در قبال پناهندگان و کارگران افغانی بوده است. هم اکنون هم اخراج پناهندگان افغانی و ظلم و ستمی که بر آنها اعمال میشود موضوع کمپین و فعالیت ماست. ما این را مساله ای مربوط به همه کارگران و مردم ایران میدانیم و تلاشمان اینست که به همه نشان دهیم که برخورد انسانی و برابر با مردمی که زاده افغانستان هستند، یك معیار مهم پیشرو بودن و رادیکال بودن هر جریان سیاسی است. دولت ایران با اجرای سیاست فاشیستی در مورد کارگران افغانی، جنایت آشکاری را در قبال این کارگران مرتکب شده و خانواده های آنان را متلاشی کرده است. خوشحال میشوم اگر اخبار و گزارشاتی در این زمینه دارید و یا نوشته هایی در این زمینه را برایمان بفرستید تا در سایت کارگران درج کنم و در تلویزیون و تبلیغاتمان به آنها اشاره کنیم و از روی ابعاد جنایتبار این سیاست فاشیستی رژیم بیش از بیش پرده برداریم و اعتراضی گسترده حول آنرا در ایران و در سطح جهان شکل دهیم. گزارشات زنده از وضع زندگی این کارگران، مشکلات آنان و وضعیت آنان بعد از اخراج به افغانستان میتواند مطالب مفیدی باشد که ما را در پیشبرد این کمپین به پیش برد. با ما در ارتباط باشید و با سایت کارگران همکاری کنید.

با تشکر

شهلا دانشفر

شما راهنمای بشریت به جلو هستید

خانم احدی گرامی

خیلی ممنون از اینکه جواب نامه مرا دادید. اجازه دهید کمی خودم را معرفی کنم. من ۳۱ سال دارم و ساکن کشور سویس هستم. من از یك خانواده مسیحی می آیم، ولی تربیت بسیار لیبرال و تقریبا بدون مذهب اگر نگوییم آتئیستی داشته ام. من با یك مرد معتقد مسیحی ازدواج کرده ام، اعتقاداتی که بدلیل زندگی مشترك با من و همچنین تحصیلات او که بیولوژی خوانده کمی به تحرك افتاده. در ماههای گذشته بعد از جنبش وجوش آتیستی و توضیح گرانه بویژه کار میشل اونفری "ما احتیاجی به خدا نداریم" و

صفحه ۹

از صفحه ۸

از میان نامه ها و سئوالات

کار ریچارد داوکینز "توهم خدا" بیشتر فهمیدم که من همیشه آتیست بوده ام. البته باید اذعان کنم که هیچگاه جرئت ابراز این حقیقت را به خودم و به اطرافیان خودم نداشته ام.

من در برن فلسفه خوانده و در یك مدرسه الان فلسفه تدریس میکنم. اگر به سوال تو که پرسیده بودی آیا با دیگران ارتباط دارم و کار مشترکی میکنم باید بگویم نه تا کنون چنین امکانی نبوده است که با همفکرانم کار مشترکی بکنم. ولی الان بفکر این هستم که چنین کاری را بکنم. مثلا با شماها!

من علاقه بسیار زیادی دارم با تو و همکاران تو ارتباط داشته و با شما بیشتر آشنا شوم. من به شما قول هر نوع همکاری و مساعدت را میدهم، هر چه در حیطه امکانات من باشد. سازمانی مثل شما در سویس نیست. من معتقدم این کار کمك زیادی میکند. مبارزه علیه هر نوع دست اندازی به آزادی بیان و ابراز عقیده، آزادی مطبوعات میتواند و باید در سطح بین المللی اتفاق بیفتد. "زنده باد اینترنت"، این مبارزه طبعا از یك جا و از طریق یك نفر و یا گروه شروع میشود و ادامه می یابد. من خیلی ممنون میشوم اگر شما در مورد زندگی خودتان و فعالیتهای خودتان بیشتر بنویسید و همچنین در مورد سخنرانی آتی خودتان در کشور سویس برای من بنویسید.

من میخواهم یکبار دیگر تاکید کنم شما و افرادی مثل شما، شایسته بیشترین احترام هستید. شما تجسم عینی گفته کانت هستید. راهنمای بشریت به جلو. و به نظر من شاگردان حقیقی جنبش آگاهگرانه و رنسانس. متاسفانه خیلی از اروپایی ها در جهت این حرکت میکنند که اهمیت و جایگاه سکولاریسم را کم کم فراموش کنند. جنگ ما، "بله این یك جنگ است" باید چنان باشد که دوباره پرچم آگاهگری و رنسانس را بلندتر کنیم. همانطور که میشل اونفری آنرا فرموله کرده است.

به انتظار پاسخ شما هستیم

با احترام زیاد ....آلفرد...

در صفحه اول بزرگ بنویسید: کمك مالی

خانم احدی عزیز

من فعالیتهای شما را کاملا شجاعانه ارزیابی میکنم. خواهش میکنم این فعالیتها را متوقف نکنید و توجه کنید که شما به بسیاری از انسانها چه مسلمان و چه مسیحی کمك بسیار بزرگی میکنید. عضو زیاد برای شما طبعا مهم است. من متوجه شده ام که به عضویت شما در آمدن چندان راحت نیست و همچنین پول فرستادن برای سازمان شما راحت نیست. پیشنهاد میکنم که در صفحه اول سایت بزرك بنویسید عضو ما بشوید و تبلیغ کمك مالی را بکنید.

برایتان آرزوی موفقیت و شادکامی میکنم.

مسجد در شهر کلن و یک بلندگوی ماورای راست!

هنگامی که سیاست دولت کلن شامل همه احزاب قادر نبود که جواب انتقادات علیه ساختن مسجد را بدهد و این وظیفه را به عهده راستهای "پرو دولت وپرو کلن" گذاشت، معلوم میشود که این سیاست واقعا به نفع دولت کلن است. چرا که جواب انتقادات نامطلوب را به عهده راستها سپردن خیلی راحتتر است. امیدواری من این است که به خاطر نظرات آقای جوردانو یك تحرك جدید ورای ایدئولوژی و پروپاگاند راست بوجود بیاید. من برای شما و کارتان آرزوی موفقیت میکنم.

کاترین ....

انتقاد به مذهب کار چپهاست

من برخی از این چپها را قبول ندارم چرا که این چپها پرو اسلام هستند. من این جهتگیری احزاب مثل حزب سبزها را قبول ندارم. اما انتقاد از اسلام باید از طرف چپها انجام شود. متاسفانه این مسئله را خیلی از گروههای آنتی فاشیست هم هنوز متوجه نمیشوند. من از شما کاملا حمایت میکنم و برای شما تبلیغ میکنم.

شما میتوانید در این سایت (http://de.indymedia.org/) هم سازمانتان را تبلیغ کنید. خیلی از سازمانهای چپ این سایت را مطالعه میکنند. و خوب است که بیشتر با نظرات شما آشنا شوند. نباید گذاشت که انتقاد از مذهب از جهت راست انجام شود. انتقاد به مذهب کار چپهاست. طیف چپ هنوز خیلی کمبود دارد. همچنان به کارتان ادامه دهید.

متشکرم : میشاییل ...

دو سئوال از میان سئوالاتی که در جلسه هفتگی حمید تقوایی در اینترنت که چهارشنبه هفته گذشته با حضور حمید تقوائی و مینا احدی برگزار شد طرح شدند.

با تشکر ازناصر احمدی برای پیاده کردن متن این سئوال و جواب

همه کتابهایم را به شما هدیه خواهم کرد

امیر زاهدی: *در رابطه مسئله سلمان رشدی و خود مینا احدی که میدانم در مورد مینا خطر صدها بار بیشتر از خطر سلمان رشدی است، و تا حدودی از پیامدها و هزینه هایش هم با خبرم اما ضروری میبینم که خود مینا حتما توضیح بدهد که کسانیکه ضدش هستند چه تهدید و ارعابی علیه اش راه انداخته اند، و بگوید که این چه نیرویی است که مینا را اینقدر بی پروا و جسور و شجاع کرده که از اینها هیچ باکی ندارد و دارد کار خودش را میکند؟*

مینا احدی: بنظر من یك مسئله مهم وجود یك جنبش اعتراضی در دنیاست که در اینجا و آنجا نمونه هایش را میبینیم که جنبش سکولاری است که بطورعام به دخالت مذهب و بطور مشخص به جنبش اسلامی معترض است. ولی منتقدین و معترضین مثل همکار خودمان میکائیل که از آلمان هست و میرفت این کمپین را اعلام میکرد وعلیه اسلام حرف میزد بعضا با راسیسم تداعی میشوند و یا به خودشان جرات نمیدهند که بحث کنند. خیلی مهم است که فعالین این کمپین و جنبش و این نوع حرکتها از کشورهایی که به کشورهای اسلامی موسوم شده اند باشند. بخصوص حضور زنان مهم است که در پیشروی آن خیلی تاثیر دارند، مثل خود من که از ایران و رژیم جمهوری اسلامی آمده ام وهمکارم خانم آرزو توکر از ترکیه و نور جباری که از کشور عراق هستند. ما سعی میکنیم یك ترکیبی از کشورهای مختلف را در جلوی جامعه جهانی بگذاریم. میخواهم روی این مسئله تاکید کنم که این یك جنبش جهانی است و اگر ما پا جلو بگذاریم منتقدین و معترضین هم که شخصیتهای سرشناسی هستند و میخواهند اعتراضاتشان را جهت بدهند و با ما تماس میگیرند، آنوقت جرات پیدا میکنند. ازطرف دیگر میخواهم به این مسئله تاکید کنم که حضور ما بعنوان کادرها و فعالین حزب کمونیست کارگری و بعنوان کسانیکه یك خط و یك نگرش، یك نقد و یك جنبشی را نمایندگی میکنیم خیلی تاثیر داشته در اینکه این جنبش در آلمان و کشورهای اسکاندیناوی و کشورهای دیگرپا بگیرد. تجربه ای در دانشگاه تریراز خود آلمان دارم که ۲۰ نفری از دوستان خودمان هم از کمپین اکس مسلم آنجا بودند. این تجربه اینست که حدود ۸۰ـ۷۰ نفر بودند از استاد و فیلسوف و پروفسور که هرکدام که پشت میکرفون میرفتند ما فکر میکردیم اینها چی میخواهند بگویند! عمدتا روی منسجم بودن بحث سیاسی که ما میکنیم تاکید میکردند. الان اینجور شده که در آلمان کله گنده های شناخته شده شان را، طرفداران نسبیت فرهنگیشان را در مقابل ما میاورند. همین هفته گذشته در دانشگاه فرانکفورت در جلسه ای بودم که در آن کسی را آورده بودند که خیلی شدید از اسلامیها دفاع میکرد حتی از ملی گروش که یك حزب بسیار افراطی است دفاع میکرد و ظاهرا در افکار عمومی و مطبوعات هم خیلی شناخته شده است. یا اشتاین باخ را در مقابل ما آورده بودند که مدتی قبله اینها بوده و از خاتمی هم دفاع کرده بود وما در بین خودمان به او آیت الله اشتاین باخ میگفتیم چراکه در میان اسلامیها حتی شدیدتر از خامنه ای در مقابل ما ازاسلام دفاع میکند. هفته گذشته در دانشگاه فرانکفورت در جلسه ای که اسمش را گذاشته بودند گسست زمان، بحثشان این بود که دوران عوض شده و دنیا عوض شده است. دوستانی که از آلمان هستند و آلمانی بلدند میتوانند به روزنامه فرانکفورت آلگماینه رجوع کنند و گزارشش را که روز بعد نوشته شده و خیلی هم تیپیك بود ببینند که نویسنده گفته بود که هیچ جلسه ای مثل این نمیتوانست این گسست زمان را خوب نشان بدهد چراکه یك خانمی که در مقابل سه مرد که از اسلام طرفداری میکردند در بحث برنده شد.علتش هم اینست که یك غول فکری آورده بودند در مقابل ما که در بحثی باشند که من بودم و سه نفر از این غول های فکری که هرسه از اسلام دفاع میکردند. یك غول فکری آورده بودند که طرف بمن میگفت دانشمند هستم و درحوزه دانش حرف میزنم وتو داری احساساتی پروپاگاند سیاسی میکنی . خود منهم ارزیابیم این بود که آخرسر او باخت. میخواهم بگویم که اگر ما نباشیم، اگر جریان و جنبش و رهبران و فعالینی نباشند که کل بحث را جواب بدهند، اگر کسانی نباشند که اسلام سیاسی را دقیق و تئوریك بشناسند و بتوانند به آنها جواب دهند و دنیا را ونظم نوین جهانی را واقعا نقد کنند و بقول حمید تقوایی به بغل این قطب و یا به قطب مقابلش غش نکنند، آنموقع ما می توانیم به هردو قطب جواب بدهیم و از جبهه سوم دفاع کنیم و این بنظرمن فوق العاده است. درعین حال ما از نظر سیاسی گذشته و پرونده پاکی داریم و فعالیتهای انسانی کرده ایم. الآن توی آلمان یواش یواش از وابستگی من به حزب، به اینکه این حزب از چی دفاع میکند صحبت میکنند و کلا کسانی دارند علاقمند میشوند و دارند برنامه حزب را میخوانند.

ما در عین حال که یك جنبش سیاسی و یك حرکتی را داریم پیش میبریم و یك نقدی و یك جبهه سومی را داریم نمایندگی میکنیم درعین حال داریم به یك عده ای هم اعتماد بنفس میدهیم. و بنظرم این نکته مهمی از کارماست. مثلا برخورد سلمان رشدی یا تسلیمه نسرین اینطور بوده که خیلی ترس نشان داده اند و به فضای رعب و وحشتی که ساخته شده و اینکه خبرنگارها چه جور زنگ میزنند و غیره تن داده اند. اخیرا یك نویسنده ای در آلمان که کتابهای کودکان را مینویسد و در کتابهایش مذهب را نقد میکند و توضیح میدهد که چگونه است و چیست، یکی از رهبران حزب محافظه کارمسیحی (س اس او) آلمان علیه او حرف زده بود و گفته بود که سعی کنید کتابهای او به اتاق خواب بچه های ما راه پیدا نکند. بعد از آن ما هم به عنوان یك جریان و جنبشی در اینطرف ایستاده ایم بطور علنی از او حمایت کردیم. میکائیل اشمیت سالمون و سازمان جردانو برونو رسما از او دفاع کرد. و ازآنجایی که در اینجا همه دعوا علنی شده است بطورعلنی در حمایتش اطلاعیه مطبوعاتی داده

صفحه ۱۰

از صفحه ۹

از میان نامه ها و سئوالات

شد. برایم جالب بود که خود نویسنده دیروز به مسئولین جردانو گفت که اگر برای من حادثه ای اتفاق بیافتد همه کتابهایم را به شما هدیه خواهم کرد. میخواهم بگویم که این کارها یك عده را دور ما جمع میکند که قبلا بخصوص در رابطه با اسلام سیاسی جرئت نمیکردند حرکتی بکنند. به انها اعتماد بنفس میدهد. در یکطرف مرگ، ترور مطرح است و فیلم ونگوگ، همان کارگردان به قتل رسیده را نشان میدهند و در اینطرف هم که ما ایستاده ایم. همین دیروز با یك روزنامه آلمانی مصاحبه داشتم و میگفت که بقیه دوستانتان را تهدید نکردند ؟ منهم گفتم که جرات نکردند تهدید و فتوای علنی بدهند. میخواهم بگویم که ما داریم فضا درست میکنیم و داریم جنبش گسترده اجتماعی را که علیه اسلام سیاسی و کل مذهب در سراسر دنیا براه افتاده نمایندگی میکنیم. و بیخود نیست که وال استریت ژورنال مقاله مینویسد و با ما مصاحبه میکند و با ریچارد داوکینز مصاحبه میکند و هردو مصاحبه را هم در یکجا چاپ میکند و میگوید که جنبش نوین سکولاریستی براه افتاده است. و یا روزنامه اشپیگل در هفته گذشته تیتر میزند که "خدا مقصر همه چیز است" و دررابطه با جنبشی حرف میزند که از آمریکا تا آلمان و تا کشورهای اسکاندیناوی علیه اسلام و دخالتش شروع شده است.

ما صدای بی صدایان هستیم

جمشید هادیان: *من موضع حزب کمونیست کارگری حکمتیست را نسبت به کمپین اکس مسلم که چند خط بیشتر نیست میخوانم . دراین رابطه حمید تقوایی اگر نظری دارند بگویند. " دررابطه با کمپین اکس مسلم قابل توجه همه اعضا حزب حکمتیست در خارج کشور ــ نشریه کمونیست هفتگی مواضع حزب را اعلام میکند و موضع اعلام شده درشماره ۱۴۷ این نشریه درمورد کمپین اکس مسلم درخارج کشور موضع حزب حکمتیست است. باعث تاسف است که رهبری حزب کمونیست کارگری ایران به بازی در چنین میدانی کشیده شده است. ماهمانگونه که همگان را از مشارکت درتحرکات جریاناتی نظیرهخا ، الاهواز، ترك پرستان و ناسیونالیستهای کرد و فارس و غیره در ایران منع کرده و اهداف این باصطلاح مبارزات را افشا نمودیم امروز هم نه تنها از کمپین اکس مسلم حمایت نمیکنیم بلکه از یك موضع کمونیستی و ضد مذهبی با هرگونه توهم به این کمپین مبارزه میکنیم و مردم را از پیوستن به آن منع میکنیم. این کمپین در نهایت آب به آسیاب جریانات اسلامی و دست راستی اروپا میریزد. کمیته مرکزی حزب حکمتیست ۲۰۰۷ ۰ مه ۲۷ ."*

حمید تقوایی: قضیه اینست که توی هر شهر و استانی درایران اعتراضی صورت میگیرد ، وقتی مثلا مردم شلنگ آباد در اهواز برای خواستهای بر حق خودشان بلند میشوند و یك سازمانی مثل الاهواز که صرفا یك وجود اینترنتی است و معلوم نیست که کجاست یکمرتبه سروصدایی راه میاندازد حزب حکمتیست فورا به این فکر میافتد و فراخوان میدهد که مردم در خانه بشینید! چراکه این حرکت مال الاهواز است ، ویا وقتی در تبریز مردم میریزند به خیابان و اساس شعارهایشان علیه جمهوری اسلامی است اما یکمرتبه یك تلویزیون ناسیونالیستی آذری میپرد روی این حرکت، اینها باز میگویند که مردم بنشینید توی خانه چراکه این حرکت هم مال ناسیونالیستهاست! چرا اینطوره؟! برای اینکه این دوستان تحلیلی دارند مبنی بر اینکه در ایران و در دنیا راست دست بالا را دارد و خودشان را هم چپ میدانند. من موضعی تا این حد حقیر و خودزنانه ندیده بودم. با همین تحلیل شکست طلبانه چپ ضعیف است و راست دست بالا دارد در قضیه جنگ لبنان در سال گذشته چنان بر چپ حمله کردند که خود حسن نصرالله نمیتوانست به این صراحت به چپ حمله کند. میگفتند این چپ بیربط است و نمیتواند سنگ روی سنگ بگذارد و فقط از دور ناظر اوضاع است و در عین حال میگفتند حزب الله چتر حمایتی برای مردم لبنان درست کرده و دارد مهد کودك میسازد وغیره و در مورد حماس هم همین نوع تعریف و تمجید ها را مطرح میکنند. دررابطه با پروژه اتمی و بحران اتمی هم همین حرفها را میزنند. میگویند هر دولتی حق دارد بمب اتم داشته باشد و باید فقط در برابر آمریکا ایستاد! و ارزیابی شان از نیروهای اسلامی در لبنان و عراق اینست که اینها جنبش مقاومت علیه آمریکا هستند. در رابطه با اوضاع ایران رسما اعلام کردند که راست دست بالا را دارد. کافیست که یك کاریکاتوری و یك مضحکه ای به اسم هخا سرو صدایی بکند و یا در تلویزیون ترکهای آذری حرفی بزنند، ویا همین سازمان الاهواز که وجود خارجی ندارند و فکر نمیکنم حتی یك هزارم مردم همان تبریز و خوزستان طرفدارشان باشند، فقط کافیست که سروصدایی بکنند تا فورا از جانب دوستان ما مدال اینرا بگیرند که اینها دست بالا را دارند، واویلا بکنند که قوم پرستان آمدند و ناسیونالیستها آمدند و واویلا کنند که سناریو سیاه دارد میاید. و آنوقت رهنمودشان چیست؟ رهنمودشان این نیست که مردم بریزید به خیابان و اینها را جارو کنید. رهنمودشان اینست که مردم بنشینید خانه! راستش این اولین حزبی است که این رهنمود مشعشع را کشف کرده است که مردم خانه بنشینید و کاری نکنید!

در اینجا میخواهم از یك زاویه دیگر از این کمپین و حتی از همین اسم اکس- مسلم دفاع کنم. اولین باری که من این اسم را دیدم همین تصویر را داشتم که این اسم درست نیست چون ما کمونیستیم و این اکس مسلم فقط مال کسانیست که از اسلام دست کشیده اند و آن ضد مذهبی گری عمومی را نشان نمیدهد. ولی بعد که اسناد را دیدم و بحثها را شنیدم و دیدم که چکار میکنند متوجه اهمیت سیاسی و حتی درستی این اسم شدم. ببینید اسلام مذهبی است که میگوید اگر کسی اسلام را ترك کند خونش حلال است. و عملا هم این قانونش را اجرا میکند. من میدانم مذهب مسیحیت و یهودیت و طرفداران بودا و گاوپرستان و طرفدران دالایی لاما هم هرموقع دستشان به قدرت برسدهمین را میگویند و در قرون وسطی هم مسیحیت همین کار را میکرد. ما تاریخا و بطور عموم با این کاری نداریم. مساله اینست امروز یك جنبش معینی است که میگوید که شما مرتد و زندیق و کافری اگر اسلام را ترك کنی ، و در قرآن است که اگر مسلمان دینش را ترك کند خونش حلال است و اینرا همین الان دارد پراتیك میکند. فتوا میدهند و میکشند و زندگی انسانها را تباه میکنند. درست همان بلایی که سر سلمان رشدی آوردند و زندگی این آدم را سیاه کردند. بخصوص اگر آن آدم مسلمانی که اسلام را کنار میگذارد شخصیت ادبی و هنری و مطرحی باشد حتما فتوای قتلش را میدهند. آنچنان بلایی سر سلمان رشدی آوردند که زندگیش کاملا زیر زمینی و داغان و سیاه شد. بنابرین ما با پدیده ای روبرو هستیم بنام اسلام سیاسی که میگوید کسی حق ندارد اسلام را ترك کند بخصوص اگر آن کس اسم و رسمی داشته باشد یا علنی کند و داد بزند که من اسلام را گذاشته ام کنار فتوای قتلش را میدهند. این برخوردشان به مسلمانان است. برای غیرمسلمانان هم مساله همین است. وانگوگ فیلمساز هلندی یادتان هست که در وسط خیابانهای امستردام هلند کشتندش و بلایی که سر کاریکاتوریست دانمارکی آوردند. جنبش مسیحیت سیاسی نداریم که این کار را بکند و ویا بودیسم و هندوئیسم سیاسی نیستند ولی اسلام اینکار را میکند. این کمپین اکس مسلم دارد چه میگوید؟ با دادن اسم و نفس اسم گذاریشان این کمپین دارد میگوید که ما اسلام را کنار گذاشته ایم ولی شما هیچ غلطی نمیتوانید بکنید. از این نظر شبیه جنبش " آوت آو کلازت" در دهه شصت اروپا است است که شخصیتهای معروفی که تا آنموقع شرمشان میشد و تابو بود و نمیتوانستند بگویند که گی (همجنسگرا) هستند، یکروز فلان فوتبالیست مشهور، فلان سیاستمدار و هنرپیشه معروف آمدند و گفتند من گی هستم ، و حق دارم مثل شما زندگی کنم و هیچ کسی حق ندارد تحقیمان کند، بروی ما گوجه فرنگی پرت کند و حقمان را زیر پا بگذارد ویا فتوای قتلمان را بدهد. فقط از این نظر کمپین اکس مسلم هم شبیه آنهاست که تابوی ترك اسلام را میشکند. الآن در آلمان و سوئد در استکهلم ۵۰ نفر با اسم خود عکس چاپ کرده اند و گفته اند که ما اسلام را گذاشتیم کنار. درواقع اینها ۳۰ سال بود که کنار گذاشته بودند، کمونیست بودند و اسلامی نبودند. ولی این مهم نیست که به شناسنامه اینها رجوع کنیم، بلکه مهم این جنبش اجتماعی است که در را باز میکند و میگوید سلمان رشدی ها بیایید جلو، هنرپیشه ها، کاریکاتوریستها، فیلمسازها و نویسنده ها بیایید جلو، بیایید علیه اسلام حرف بزنید و ما اجازه نمیدهیم علیه تان فتوا بدهند. این حرکت تا امروز همین تاثر را داشته و علیه فعالین این کمپین هیچکسی جرات نکرده فتوا بدهد. ما داریم این تابو را میشکنیم.

یکی از دوستان بمن میگفت که خوب شما امروز این حرفها را میگویید ولی فردا مثل سلمان رشدی زیر زمینی میشوید. مینا احدی خودش بمن گفت که یکی از خبرنگاران به او زنگ میزند و مینا گوشی را برمیدارد و او با تعجب به مینا میگوید که تو چطور مستقیم داری بمن جواب میدهی؟ میگوید ما وقتی به تسلیمه نسرین یا به سلمان رشدی زنگ میزنیم تلفنشان از نظر امنیتی از دهها مرکز مختلف عبور میکند تا بردارند! من میگویم یکی از محسنات این کمپین همین است که پس فردا سلمان رشدی هم بیاید به خانه عادی و به خیابان و مثل مردم زندگی کند وخودش به تلفنها جواب دهد. جرمش اینست که علیه محمد یك رمان نوشته است که باید یاریش کنیم ده تا رمان بنویسد و مذهبیون هم بقول منصور حکمت مودب بنشینند و گوش بدهند و حق ندارند فتوا بدهند و تهدید کنند. بقول منصور حکمت من میخواهم به مقدسات تو حمله کنم و شما هم بیا یید به مقدسات من حمله کنید و حرف بزنید و فیلم بسازید و رمان بنویسید و صحبت کنید. من اسلام را گذاشتم کنار و حق دارم و میتوانم عقیده ام را عوض کنم و شما حق ندارید که فتوا بدهید. غلط میکنید فتوا بدهید. این کمپین با اسمش و با اعلام اسامیش دارد این کار را میکند و چنانکه خیلی از کسان تلفن زدند و ایمیل دادند و جرات و شهامت اینها را ستودند. و بنظر منهم جرات و شهامت دوستان ماست که ۵۰ نفر و شاید هم تا کنون ۱۰۰ نفر شده اند که همه هم تا دیروز اطلاعیه ضد قتلهای ناموسی و ضد اسلام سیاسی میداده اند و هنوز هم میدهند، واکنون در اسکاندیناوی و آلمان ۱۰۰ نفر میگویند ما مسلمان بودیم اما دیگر نیستیم و ما کافریم و مرتدیم و شما آیت الله ها هم هیچ غلطی نمیتوانید بکنید. این تابو

صفحه ۱۱

ملاقات با نماینده عفو بین الملل در مورد لیست ۳۳۶ نفره زندانیان سیاسی

بدنبال بیرون آمدن لیستی از زندانیان سیاسی از درون زندان، کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی کمپینی فشرده برای آزادی این زندانیان و با خواست آزادی بدون قید و شرط همه زندانیان سیاسی را در دستور فوری خود گذاشت. در همین رابطه روز چهارشنبه ٦ تیر هیئتی از طرف این کمیته با نماینده سازمان عفو بین الملل در دفتر بین المللی این سازمان در لندن ملاقات کردند. در این ملاقات شیوا محبوبی و سعید پرتو با Ann Harrison مسئول بخش خاورمیانه عفو بین الملل به بحث و گفتگو نشستند و لیست ۳۳٦ نفره زندانیان سیاسی که اخیرا بدست این کمیته رسیده را ارائه دادند و خواسته های این کمیته را به اطلاع نماینده سازمان عفو بین الملل رساندند.

در این دیدار وضعیت زندانیان سیاسی، زندانی بودن این افراد بدلیل عقاید و مخالفتشان با رژیم اسلامی، شکنجه و اعدام زندانیان سیاسی توسط رژیم اسلامی، و خواست آزادی بی قید و شرط این زندانیان به تفصیل مورد بحث و گفتگو قرار گرفت و از عفو بین الملل خواسته شد تا در مورد مساله زندانیان سیاسی در ایران و بطور مشخص در مورد لیست ۳۳٦ نفره، اقداماتی اضطراری را در دستور بگذارد. Ann Harrison نیز متقابلا با اشاره به نقض حقوق بشر در ایران و با استناد به گزارش سال 2007 عفو بین الملل در مورد ایران که در آن به نقض روزافزون حقوق بشر در ایران اشاره شده است، متذکر شد که این لیست و تقاضاهای این کمیته را با تیم مربوطه خود مطرح کرده و خاطر نشان شد که عفو بین الملل تمامی اقدامات لازم را که در توان این سازمان باشد انجام داده و نتیجه اقداماتشان را نیز در اختیار "کمیته مبارزه برای زندانیان سیاسی" برای اقدامات بعدی، قرار خواهد داد.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی به مبارزه خود برای آزادی فوری و بدون قید و شرط زندانیان سیاسی در ایران و پیشبرد کمپین اعتراضی حول لیست زندانیان سیاسی ای که بدستش رسیده است ادامه میدهد و خود را صدای اعتراض همه زندانیان در ایران میداند.

برای تماس با "کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی" لطفا با کیوان جاوید سخنگوی این کمیته و با شماره تلفن ۰۰٤٤-۰٤٤۱-۳۵۲۵-۷۹- و یا با ای میل iran_political_prisoner@yahoo.com تماس بگیرید.

کمیته مبارزه
برای آزادی زندانیان سیاسی در ایران
۷ تیر ۱۳٦۷

سازمان عفو بین الملل در تحرکی بیسابقه علیه اعدام کودکان در ایران!

جمهوری اسلامی عملا تنها کشوری است که کودکان را به مرگ محکوم می کند!

سازمان عفو بین الملل در گزارش امروز خود با اطلاق کردن "اخرین جلاد کودکان" به جمهوری اسلامی، اعدام کودکان را توسط حکومت اسلامی به شدت محکوم کرد و خواهان توقف فوری اجرای احکام اعدامی شد که در زمان صدور، متهمان زیر ۱۸ سال بودند. این اولین باری نیست که سازمان عفو بین الملل به اعدام کودکان توسط جمهوری اسلامی اعتراض می کند. این اعتراض و گزارش جدید امنستی بعد از کمپین گسترده کمیته بین امللی علیه اعدام و نازنین افشین جم از یکطرف و عقب نشینی جمهوری اسلامی و بردن لایحه توقف اعدام کودکان به مجلس اسلامی، صورت می گیرد. این اعتراض عفو بین الملل بر این بستر، نه تنها کمپین "اعدام کودکان را متوقف کنید" را قویتر می کند بلکه امید به پیروزی این کمپین در اینده ای نزدیک را بیشتر می کند.

انعکاس گزارش امروز امنستی در مدیای کشور سوئد بیسابقه بود. تقریبا تمامی رسانه های معتبر این کشور، گزارش امنستی را انعکاس دادند. نماینده عفو بین الملل در سوئد اعلام کرد که این گزارش را برای دولت و پارلمان سوئد ارسال کرده است و خواهان اعتراض انان به اعدام کودکان در ایران شده است. دولت نروژ در هفته پیش در رابطه با سنگسار مکرمه ابراهیمی رسما به دولت اسلامی ایران اعتراض کرد و گفت در صورت عدم لغو این احکام سنگسار از سفر نمایندگانش که قرار بود این هفته به ایران پرواز کنند، جلوگیری خواهد کرد. نمایندگان کمیته بین الملل علیه اعدام در ملاقات خود با معاون وزیر امورخارجه در سوئد در بخش خاور میانه و افریقای شمالی، ضمن گزارش پیشرفت کمپین "اعدام کودکان را متوقف کنید" از دولت سوئد خواستند که به مانند قسمت اعظم نمایندگان پارلمان سوئد از کمپین و خواست مردم ایران مبنی بر لغو مجازات اعدام کودکان حمایت کند.

کمیته بین المللی علیه اعدام از کشورهای اروپایی می خواهد تا مماشات با جمهوری اسلامی را بر سر جان کودکان در ایران به کنار بگذارند و به تبعیت از صدها نماینده پارلمانهای اروپایی و دولت نروژ، صراحتا جمهوری اسلامی را به خاطر اعدام کودکان محکوم کنند و خواستار توقف اعدام کودکان و لغو مجازات اعدام شوند.

کمیته بین المللی علیه اعدام
۲۰۰۷/۰٦/۲۷
manochermasori@yahoo.com
www.adpi.net
۰۰٤٦۷۰٤۹۱۷٤۹٤

کمک مالی به تلویزیون حزب

لیست افرادی که برای تامین مخارج تلویزیون ۲۴ ساعته حزب در ماه جون کمک مالی پرداخت کرده اند:

انگلستان:

جلیل جلیلی ۱۰۰ پوند
حسین صفا ۱۰۰ پوند
بهار میلانی ۵۰۰ پوند

سوئد:

آذر پویا ۵۰۰ کرون
منصور فرزاد ۵۰۰ کرون
غلام اکبری ۱۰۰۰ کرون
فریده آرمان ۵۰۰ کرون
رزگار روشن ۱۰۰۰ کرون
سارا نخعی ۵۰۰ کرون
حسن صالحی ۱۰۰۰ کرون

نروژ:

هادی رحیمی ۵۰۰ کرون

فنلاند:

عمر معروفی ۱۰۰۰ کرون سوئد
امیر توکلی ۵۰۰ کرون سوید
عبدل گلپریان ۲۰۰ کرون سوئد

فرانسه:

یدی کوهی ٦۵ یورو
سیروس ۲۰ یورو
Etienne 15 Eur

کانادا:

مسعود آذرنوش ۲۰۰ دلار
عباس ماندگار ۱۰۰ دلار

از صفحه ۱۰ **از میان نامه ها و سئوالات**

دارد میشکند، این نرم دارد شکسته میشود و ما برایشان جواب داریم. همانطور که مینا میگوید که اکنون ریش و پشم الدین های آلمان آمده اند و میگویند که ما فقط ۱۰در صد مردم را نمایندگی میکنیم. این یعنی درواقع خفه شان کرده ایم. برای اینکه تا می آیند و میگویند که ما نمایندگان مسلمانان هستیم جامعه به آنها پاسخ میدهد ما حداقل ۱۰۰ نفر را میشناسیم که اعلامیه داده اند وگفته اند که ما مسلمان نیستیم ، و اگر صد نفر علنی شده اند که اینها جسورترین هایشان هستند ده ها و صدها هزارنفر هم هستند که مسلمان نیستند و صدایشان در نمیاید چراکه از شما میترسند. کما اینکه اخیرا دختر محجبه ای نامه ای نوشته که من دلم با شماست و شما را تحسین میکنم ولی نمیتوانم به شما بپیوندم چون که برادران و پدرم مرا میکشند. ما صدای بی صدایان هستیم. دختران جوانی در همین اروپا که نمیخواهند و ناگزیرند توی آن فرهنگ باشند وتوی خانواده شان وانمود به مسلمانی کنند و حجاب سرشان میکنند تا چه رسد به کشورهای اسلامی بویژه ایران که همه مردم همین حالت را دارند. این کمپین دارد چنین کاری میکند و نه با قلمش و با نوشته اش بلکه با نفس اعلام وجودش و با نفس اعلام اسمش و با نفس علنی کردن عکسها و آدرس و شماره تلفنهایش دارد این کار را میکند.همگی عکس دادند و اسم دادند و با آن اسم ها هم در آن جامعه زندگی میکنند و میگویند که ما اکس مسلم هستیم و کسی نمیتواند غلطی بکند . ین کمپین دارد راه باز میکند و اهمیت این اسم اینجاست.*

برای آزادی و برابری، "نه" به جمهوری اسلامی!

در میتینگهای اعتراضی بمناسبت ۱۸تیر شرکت کنید!

هشتمین سالگرد ۱۸ تیر را به روز اعتراض علیه جمهوری اسلامی برای آزادی زندانیان سیاسی بدل کنیم!
در هشتمین سالگرد ۱۸ تیر آشکارتر از هر وقت اجرای حکم ۱۸ تیر مبنی بر اینکه "جمهوری اسلامی باید برود"، تماما بر عهده چپ قرار گرفته است. چپ باید بیش از پیش بعنوان نماینده جامعه ظاهر شود و برای برپایی اجتماعات و تظاهرات های ۱۸ تیر فعالانه به میدان بیاید.
۱۸ تیر سمبل اعتراض جامعه برای رهایی از شر جمهوری اسلامی است.
۱۸ تیر روز فریاد آزادی محمود صالحی و همه کارگران و معلمان در بند است. ۱۸ تیر روز اعتراض همه آحاد جامعه علیه حکومت اسلامی است.
در ۱۸ تیر امسال اعلام کنیم: نه بمب، نه جنگ، نه تحریم، نه جمهوری اسلامی.

محمود صالحی و همه زندانیان سیاسی باید فورا و بدون قید و شرط آزاد شوند!

انگلستان:
لندن؛ دوشنبه ۹ جولای از ساعت ۱۲ تا ۱۴
تظاهرات مقابل سفارت جمهوری اسلامی ایران
Kensington Gore SW7
نزدیکترین ایستگاه قطار: Knightsbridge Kensington High Street
اتوبوسهای شماره: 9، 10، 52
تلفن تماس: 07950924434

کانادا:
تورونتو؛ دو شنبه ۹ جولای از ساعت ۱۹ تا ۲۱
تظاهرات: جنب سوپر مارکت آسی در یانگ و فینچ
تلفن تماس: ۷۲۶۹۳۲۱(۴۱۶)

نروژ:
اسلو؛ شنبه ۷ جولای از ساعت ۱۲ تا ۱۶
پیکت برگزاری میزاطلاعاتی و پخش تراکت مقابل پارلمان نروژ
تلفن تماس: ۸۶۹۴۰۰۱-۰۷۹

سوئد:
گوتنبرگ؛ شنبه ۷ جولای از ساعت ۱۴ تا ۱۶
Brunnsparkenواقع در مرکز شهر گوتنبرگ
نمایشگاه عکس، سخنرانی، تریبون آزاد
تلفن تماس: ۴۲۲۷۱۹۶-۰۷۰

آلمان:
هامبورگ؛ شنبه ۷ جولای از ساعت ۱۳ تا ۱۷
تظاهرات مقابل کنسولگری جمهوری اسلامی
Bebelallee 18, 22299 Hamburg
تلفن های تماس: ۱۶۳۷۱۳۲-۰۱۷۳
۳۳۷۹۸۰۸-۰۱۷۸

فرانکفورت؛ شنبه ۷ جولای از ساعت ۱۱ تا ۱۳
تظاهرات مقابل کنسولگری جمهوری اسلامی
Raimundstr. 90, 60320 Frankfurt a.M
تلفن تماس: ۵۴۰۱۰۸۰-۰۱۷۰

کلن؛ جمعه ۶ جولای از ساعت ۱۵/۳۰ تا ۱۷/۳۰
پیکت اعتراضی در مرکز شهر
تلفن تماس: ۳۰۲۴۸۳۲-۰۱۷۸

لایپزیک؛ شنبه ۷ جولای از ساعت ۱۵
میز اطلاعاتی درمرکز شهر
Zentrum- Hain Str.
تلفن های تماس:
۰۱۷۲۱۰۹۳۳۶۱۸

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران
۲۷ ژوئن ۲۰۰۷

حزب کمونیست کارگری ایران دعوت میکند: منصور حکمت از زبان شما

در اجتماعات و گردهمایی ها در شهرهای مختلف جهان

منصور حکمت زبان گویای همه انسانهایی بود که به جهان نابرابر موجود اعتراض دارند. منصور حکمت اهداف و روش مبارزه اکثریت عظیم بشریت امروز برای تغییر دنیا را عرضه کرد. فرهنگ نپذیرفتن وضع موجود، سنت نقد بی تخفیف مذهب و خرافه و تبعیض بر اساس جنسیت، ملیت، رنگ و غیره. اعتراض به همه نابرابری ها و بی حرمتی ها به انسان و به کل مناسبات استثمار. فرهنگ باور به تلاش انسانها. اینکه میشود دنیایی با یك عالمه شادی، مقادیر زیادی رفاه و آسایش و احترام به همدیگر ایجاد کرد. باور به عملی بودن "یك دنیای بهتر" و تلاش انسانها برای متحقق کردن آن.
منصور حکمت متاسفانه در ٤ ژوئیه ۲۰۰۲ در گذشت. اما همه آن شرایط اجتماعی نابرابر و ضد بشری که او پرچم اعتراض به آنرا به دست داشت، سر جایش باقی است. همه انسانهایی که مانند او تشنه تغییر جهان وارونه فعلی اند، همچنان درگیر مبارزه ای نهان و آشکارند. و هرروز صف های جدید به این مبارزه می پیوندند.
در گرامیداشت یاد منصور حکمت حزب کمونیست کارگری گردهمایی هایی در شهرهای مختلف جهان برگزار میکند و از همه شما دعوت میکند تا در این اجتماعات شرکت کنید و در باره منصور حکمت سخن بگویید. علاوه بر سخنرانان این مراسم شما هم پشت میکرفن بیایید و حرف بزنید. آنطور که شما منصور حکمت را شناختید. آنطور که در زندگی شما تاثیر داشت. منصور حکمت از زبان شما.

برنامه ها شامل: سخنرانی، نمایش فیلم و تریبون آزاد

کانادا– ونکوور
زمان: یکشنبه ۸ ژوئیه ۲۰۰۷ ساعت ۱٤ تا ۱۷ عصر
مکان: Harbour View Room
John Braithwaite Community Centre
st Street, North Vancouver۱ West ۱٤٥
تلفن تماس : ۸۹۸٦-۷۲۷-٦۰٤
مصطفی صابر: منصور حکمت و یك فرهنگ جدید

کانادا– تورنتو
زمان: شنبه ۷ ژوئیه ۲۰۰۷ ، ساعت ۷:۳۰ بعداز ظهر
مکان: شماره ۵۱۲۰ خیابان یانگ ، نورث یورك سنتر ، طبقه دوم کتابخانه مرکزی
تلفن تماس : ٤۱٦.۳٥۸.۹٦۰۰
حمید تقوائی: نقد سوسیالیستی دموکراسی و رابطه آزادی و سوسیالیسم در دیدگاه منصورحکمت
خبات مجید: نقش منصور حکمت در شکل دادن به کمونیسم کارگری در عراق

آلمان – کلن
شنبه ۳۰ ژوئن از ساعت ۱۵ زمان:
مکان: Köln - Kalk Kapellen Str. ۹a
تلفن های تماس : سهیلا خسروی ۳۰۲٤۸۳۲-۰۱۷۸ محمد شکوهی ۹۲۳٤۹۲۹۰– ۰۱٦۰
مینا احدی : منصور حکمت و متد برخورد به اسلام سیاسی
محمد آسنگران : منصور حکمت، جنبش شورائی و سندیکالیسم
فرشاد حسینی : متدولوژی پراتیکی منصور حکمت و کمونیسم در عمل

سوئد – استکهلم
زمان : شنبه ۷ ژوئیه از ۱۹ تا ۲۲
مکان : Husby Träff
تلفن تماس : ۰۷۰۳٦۱۰۲۷۹ جمیل فرزان
سیامك بهاری : تحولات اجتماعی و نقش کمونیسم کارگری
اصغر کریمی: منصور حکمت و کمونیسم در ایران

سوئد – یوتبوری
جمعه ٦ ژوئیه از ساعت ۷ بعد از ظهر
در محل خانه آینده (Framtidshuset)واقع در A ۹Ångpannegatan
تلفن خانه آینده : ۰۳۱۲۳۸۷۸۹ و ۰۷۳۷۷۹۷۸۸۵
شهلا دانشفر : منصور حکمت و جنبش کارگری

سوئد– مالمو
زمان : شنبه ۷ ژوئیه از ساعت ۱۹
مکان : Ystadvägen ٤۲ ٥ Våningen
تلفن تماس : فریده آرمان ٦۱۱٦۱۰۹-۰٤۰ و ۳٦۳۸۰۸۸-۰۷۰
شهلا دانشفر : منصور حکمت و جنبش کارگری

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران